

وین بر کند و گفت که « بیست نفر دیموکرات را بقتل خواهیم رسانید » \*

سات و سبب اولتیماتوم دوم روس را بعضی ها مبنی بر دو بهانه تصور نموده بودند اگر فرضاً صحیح هم باشد بهنگامه بوده است یکی این بود که مسئولان کفر را که از رعایای دولت انگلیس بود بریاست مالیات نفاذی که منطقه نفوذ روس بود معین و تاسد کرده بودم دیگر آنکه مراسله و آرمیکلی که پروژمانه تمس لندن نوشته ترجمه آن را به فارسی طبع و توزیع نموده بودم اتفاقاً هر دوی آنها برخلاف راستی بود \*

اگر چه مطالبات و کوشش های منافقانه روسها که میخواستند حقایق خودشان را ثابت نمایند ایرانیان را پریشان و بی حس نمود و دولت مشروطه ایران هم در این سنوات اخیر به بحرکات فریب دهنده جا برانده بلکه سبانه کابینه بطر سبرگ عادی شده ولی چنین لطمه و فشاری را منتظر و امیدوار نبود \*

کابینه ایران تصور نموده بود که خصومت علنی انگلیس و آلمان سبب ازدیاد مغایره امنیت اروپا خواهد شد اگر چه رنجش معامله سرا کو آرام گرفت ولی اثرات آن هنوز یکی محو نشده و ظاهر بود و نیز احساس نموده بودند که سرگرم بودن سراد وارد کرمی بحالات و بحران خطرناک اروپا نقشه و خیالات او را که در آسیا برای توسیع منافع دولت انگلیس کشیده بود از خاطرش محو نموده بنا بر این ظاهر میشد که روسها برای اجراء مقاصد دیرینه و رسیدن به آرزوهای قدیم خود برای تصرف نمودن ایران و بنا نمودن استحكامات جنگی دریائی در خلیج فارس آزادانه مستعد بودند روسها وقتی میتوانستند مقاصد خودشان را در ایران اجراء نمایند که افلاً مخالفت و مناقضت ظاهری با مواد عهد نامه ۱۹۰۷ نکرده باشند بواسطه این تدبیر و اتخاذ این مسلك پلیسی وزارت خارجه انگلیس را بحیالانه از پریشانی هائی جواب توضیحات پارلمان رهائی میدادند که چرا روسها پای بند بمواد عهد نامه نمیشد \*

ایرانیان با این حال چنانچه از واقعات و اقداماتشان ظاهر میشد حسن عقیده کامل درباره بزرگترین ملل مسیحیه عالم داشتند که با احترام عهد نامه و ایفاء وعده های مقدس خود پای بند خواهد بود و گمان نکرده که تمام حیات ملی و آزادیشان بواسطه مختصر بهانه موهوم بی اصلی ممکن است در ظرف یکسب به عرض خطر بیفتد \*

دیر ملتفت شدند که فریب خورده اند اگر چه بهمیدن این نکته هم بسار مشکوکست که اگر فرضاً هم از حقیقت امر زود مطلع میشدند چه میتوانستند بکنند و اگر

روسها بپایه که بسته بودند مسدود و رفع میشد حلیه های دیگر تراشیده و برای تعدیات خود مستمسک قرار میدادند دانی که اطراف ایرانرا محاصره کرده و در آن سرزمین گسترده شده بود بتمسک آتشیها و از آن قسمت کرده بود که حرکت غیر منتظر و غیر متوقی بصحبه شطرنج اروپا در تابستان ۱۹۱۱ داده بود خرس بقدری ماهر و چالاک بود که قبل از آنکه وقت و موقع انگرد در یسمان یا غر دام را حرکت داده و صید خود را گرفتار نمود \*

این بحران و بلیاتی که برای دولت ایران پیش آمد سبب این شد که هرکس دوزبانه همسایه خود بد کمان گردید روسها و مصادرا امور مملکت هم دو درغه تنده بودند کابینه در تحت ریاست صمصام السلطنه بک طریقه و مسلک اختیار کرده و کابینه نایب السلطنه را هم با خود متفق نموده بودند و کلاً مجلس هم بواسطه اینکه خود را وطن پرست و حافظ حقوق ملت و مسئول استقرار مملکت دانسته و دو مقابل آن مسئولیت بقا سلطنت را عاقل بودند در خلافی رأی و عهده کابینه مثنی می نمودند - حکام و روسای ایران که از کابینه آنوقت بودند با مسئولیتی که داشتند بواسطه اولتیماتوم و مظالم روسها و صحتی هائیکه در ضمن آن اولتیماتوم با ایرانیان مصادف میگشت و با ازیس رده نبدیدات متوالیه روس هموطنان قانونی خود را با تسمش برهنه روسها مقابل میدیدند و با اسب سستی که بعد از باختن رد پایتیک با چالاکتر از خود بر ایشان حاصل نموده بود تا خوش و هوا راحت بودند با وجودیکه احتمال خیانت و عهد شکنی در آن امر میرفت اولتیماتوم را قبول کردند \*

بابر جمه روز اول دسمبر قدری قبل از آنکه موعد چهل و هشت ساعت اولتیماتوم روس که برای قبول اظهارات و مطالبات خود معین کرده بود منقضی شود کابینه رای خود را در مجلس علنی اظهار نمود که رضایت قانونی مجلس را بر طبق مسلی که قصد و اختیار کرده بود جاب نماید \*

بک ساعت قبل از ظهر هموطنه و عمارت پارلمان از انبوه مردم منتظر و مضطرب بر بود و نیز امکانه که برای تماشاگران در مجلس معین شده بود از مشاهیر ایران و وکلاء عدلیه و اعضاء سفارتخانه های اجانب پر شده بود زیرا که ظهر همان روز سران وقت ایران از حیث ملیت معلوم میشد \*

کمیته بقبول مطالبات روس مصمم شده و رعایت هر نکته را که احتمال رعایت مجلس در آن مدیعت ترک نمود مصمصام السلطنه رئیس الوزرا در موقعیکه یقین نمود که برای بحث و مذاکره و کلاه «رباب اواتیاتوم روس وقت کافی باقی نمانده قریب بظهر هنگامیکه موعد در تشریف انقضاء بود اظهار کرد که «و کلاه اختیارات نامه بکمیته بدهند تا اواتیاتوم روس را قبول نماید» \*

این رأی و اظهار در حالت سکوت تام خوانده شد بعد از ختم آن بطوری سکوت و بیست بر مقام مردم طاری شد که غمناک و شش نفر و کلاه موجوده پارلمان از زیر وجوان و علمای و پیشوایان مذهبی و «کلاه عدلیه و انابیا» و شاهزادگان در جای خود مثل اشخاص سبک کرده بی حس و بی حرکت ماندند \*

بلك عالم محترم اسلامی ایستاده و در موقعیکه وقت سرعت و بیخبر میگذاشت و ظهر آن روز آن امر از اختیار ایشان خارج میگشت و هیچ رأی نمیتوانستند بدهند آن بنده خدا فطرت مختصر مناسب حال و جوقی نموده و گفت «تایید مشیت خداوند بر این امر فرار گرفته باشد که آزادی و استقلال ما بزور از ما سلب شود ولی سزاوار نیست که ما خود مان بامضاء خود از دست داده و ترك کنیم» و دستهای مرتعش خود را برای داد خواهی و نظم بسمت مردم حرکتی داده و در جای خود نشست \*

الفاظ و عبارات آن شخص بسیار ساده و مختصر بود ولی مثل اینکه پروبال دانت بر معنی بود اینگونه مکالمه کردن در مباحثه فلسفی آسان ولی در پیش بزرگ شخص مخالف چهارم پشته بسیار مشکل و دشوار است و حال آنکه طرفدارانت از «گاری» (غرفه) ها خیره خیره باوانگر بسته و در دلمای خود او را برای حبس و شکنجه و نگی بلد نمودن یا بدتر از آن نشان مینمودند \*

و کلاه دیگر نیز بهمان سناک متارالیه را متابعت در انطق نموده و بواسطه نگی وقت نطقهای مختصر داده و از عزت و شرافت موکلین خود حمایت نموده و حقوق زندگی و استقلال آنان را که ناشکال زیاد بدست آورده بودند اعلان کرده و داد خواهی تا باقی از طرف ملت خود نمودند \*

چند دقیقه قبل از ظهر رأی عمومی گرفته شد یکی دو نفر که بسیار حسود و کم حرارت و مثل زایع و از اشخاص پست فطرت بودند خود را پنهان نموده و کناره گیری اختیار کرده و بی خبر از مجلس خارج شدند چون اسامی و کلاه خوانده شد هر يك در

جای خود ایستاده و رأی خود را علناً اظهار نمود \*

و فتنه که خیرست اساسی تمام و کلاً خوانده شد تماماً از پیشوایان روحانی و سایر طبقات از جوان تا پورهشاد ساله که بنین تقدیر خود را بر صفحه اظهار انداخته و از طرف ملت از جان گذشته پایمال شده خود که آینه ظلمانی خطرناکی در پیش داشتند بیشت اجتماع جواب داده و اولتیماتوم روس را رد نمودند بمقتضای انداختن جان خود و خانواده و کمان خویش و گرفتار شدن بچنگال و دندان خرس بزرگ شمشیر بر فدا کردن عزت و شرافت و حقوق آزادی و استقلال موکلین خود که تازه تحصیل نموده بودند ترجیح دادند \* در موقعیکه اشکهای ناشائیان جاری و نوره های خوشحالی آنها برای تمجید و تحسین بلند بود اعضا کابینه شرمند و بیحمتک بیرون رفتند و کلاً هم برای چاره جوئی و تدبیری برای جلوگیری از آن واقعه که برای ملت پیش آمده بود منتشر و مطوق شدند \*

بواسطه این اتفاق و اکثریت آراء و کلاً مجلس مطابق قانون اساسی کابینه مقبعل و منحل گردید \*

بسیاری از مردم در خیابان لاله زار که خیابان معروف طهرانست جمع شده و نفرها بلند بود که سرده باد خائنین ملت و خدا را گواه طلبیده که برای محافظت وطن خود بجان دادن حاضر خواهند بود \*

چند روز بعد مابین و کلاً و کابینه معرول شده در یک جلسه سری در رد و انکار اولتیماتوم روس اتفاق آراء شد در خلال این حال هزارها عساکر و ارفاقان روس با توپخانه بی درمی در شمال ایران وارد میشدند از تقاس و جانفا از راه خشکی و از پاد کویه و بحر خزر گذشته و در بندر انزلی ایران پیاده شده و بطی مسافت چاه دو پست و پست مبل از کوههای البرز بطرف قزوین و طهران شروع نمودند \*

در حکومت طهران مشورت بعد از مشورت بود که واقع میشد و سازشها که بر خلاف و کلاً بی شد ولی بواسطه ترس ساکت و آرام گردیدند از کان مجلس با این مضامرات که بفرین بضرر خود داشتند روز بروز در رأی خود مستقل و وثابت قدم تر بودند \*

ممکن نیست که حالت تنها و روزهای مشورتانه ماه خزان را در پایتخت شرح دهم مثل اینکه در هوام تسمی خوف و هراس پامان و پرتییده بود گویا کوههای

بر اثر یرف هم از منظره های المذک مملکت که بر آنها گذشته بود متألم و متاثر بودند \*  
 از طرف علماء و پیشوایان روحانی حکم به تحریم و بایکوت امتعه روس و انگلیس شد  
 ایرانیان سواری تراموه طهران را که به سبک قدیم بود بنگان اینکه متعلق بر وسع است نیز  
 ترک کردند و زیر مختار بلجیک از این مقدمه برافروخته شده و اعتراضات بسیار بوزارت  
 خارجه ایران نمود بجهت اینکه اداره تراموه متعلق به بی از ابناء وطن مشارالیه بود تمام  
 آن روز تراموهای مزبور خالی و بدون مسافر میگردیدند جوانان و شاگردان مدارس  
 و زنان دسته دسته قضای خیابانها را پر نموده و مسافری نیکه از روی بی اخلاقی اتفاقاً  
 سوار شده پیاده می نمودند در پیچه و شیشهای مغازهائی که در آن امتعه روسی نمایش  
 داده و فروخته میشد شکستند سعی و مواضبت تامی نمودند که کسوسهای نخورد اگر چه  
 جای هندوستان هم باشد زیرا که اغلب چایهای طهران از روسیه می آمد و بیشتر  
 اجتماع سفارتخانه های دول خارجه میرفتند که از نمایندگان دول عالم برای ملت ما بوس  
 خود داد خواهی کنند \*

بگرو ز شهرت میکرد که مشاهیر ملاحی نجف اعلان جهاد و جنگ مذهبی برخلاف  
 روسها نموده اند (۱) روز دیگر خبر میرسد که فتون روس در قزوین شروع بگلوله  
 ریزی و قتل عام نموده است \*

با یکوت امتعه انگلیس در جنوب ایران بقدری اهمیت پیدا کرد که فوج هندی  
 انگلیس در تیراز به اشکال تمام برای خود آذوقه تحصیل میکردند ملاحی معروف  
 آنجا اسکاس بانک تاهنشاهی را که انحصار بانگلسادانت حکم بجاست آن نموده  
 و بیافک رد کرده و در عوض مسکوکات دولتی میفرستند تقریباً هر روز بیست هزار  
 تومان اسکاس مبادله پول میشد \*

بگروز بنوسط پلیس مخفی دو نفر از اعضاء هیئتی که برای کشتن خزانه دار سازش

(۱) سیزدهم دسمبر (بیست و یکم ذیحجه ۱۳۲۹) ملا محمد کاظم خراسانی مجید  
 معروف نجف در موقعیکه در شرف حرکت بطهران بود برای اعلان جهاد مذهبی برخلاف  
 روسها بفتنا بواصله علت مخفی نوت نموده در طهران بقیین شده بود که بنوسط حامیان و  
 معاونین روسها مسموم گردیده است آن ملای معروف و در هر از همکاران و دوستانش  
 حاجی میرزا حسین حاجی میرزا خلیل و ملا عبدالله مازندرانی در آمدن و معاونت ملین  
 و مشروطه طلبان ایران بیشتر و بیشتر از سایر پیشوایان اسلام مجاهدات نمودند \*

## باب هفتم

نموده بودند گرفتار شدند پلیس پهلوی ایشان حمله و یورش برده و در آنجا دستگاه مختصری که برای ساختن «بیب» فراهم شده بود به علاوه چند «بیب» که از شور و گلسترین ساخته شده بود پیدا کردند در ضمن استنطاقات در اداره پلیس اقرار نمودند که چند نفر از ایرانیان که برخلاف سلطنت جدید بود با ایشان پول داده اند تا در موقعیکه با کانسکه از خیابانها میگذرم با «بیب» مرا تلف کنند \*

دیگر در مجموع حورتی زندگی در طهران برای من مناسبت و صلاحیت نداشت در موقعیکه در اداره خود نشسته بودم آوازه های کلوله ها بود که از خیابانهای اطراف باغ می آمد بواسطه جنگمائی که مجاور پارک واقع میشد اینگونه اتفاقات امر خلاف معمولی نبود و در شبها تقریباً آوازه خوانی طپانچه «موزر» واقع میشد تا مورین روس که یاره از دستجات تشون و قراقهای ساخالوی روس در فروین جدا شده و پیش آمده بودند هر روز صبح زود با قزاقان برای معاینه نقشه پارک می آمده و مستحفظین پارک صورتهای میسب و هولناک خود را نشان داده و گردش می نمودند بدون شبیه ان تشون بسیاری که روسها با بران وارد نموده بودند فقط برای اخراج من بود نتیجه حمله های زهر آلود خصومت امیزی که روزنامه های نیلم روسی روس برخلاف من میکردند حقیقتاً باعث تشویق و ترغیب بلکه دعوتی بود برای اشرار و بدسگالان و فراریان پلنگی قفقاز که (صدها در طهران بودند) برای ضرر رسانیدن من باین امید که حقیقتاً با بصرف خیال از دولت روس دوباره تاملی برای خود حاصل کنند چنانچه قانون صنیع السوله (مرحوم) هم همین تأمین و خاطر جمعی را برای خود تحصیل نمودند \*

یکروز عصر تنگی در موقعیکه با زن خود مستعد رفتن بیانی مختصری بودم خبر رسید که سه نفر قفقازی در خیابان مجاور پارک منظر من میباشند ان خبر صحیح بوده و صحت ان هم به ثبوت پیوست باین ملاحظه خیال نمودم که ماندن در منزل انسب و اولی است در این موقع چند نفر از احزاب ملی و وطن پرستان از من خواش نمودند که ایشان اذن بدهم تا میتنی بر ایچلوگیری از کوششهاییکه برخلاف جان من شده بود مرا محافظت نمایند من هم راضی گشتم (۱) از ان وقت به بعد مستحفظین داوطلب روز و شب

---

(۱) بسیار متأسف شده از شنیدن این خبر که یکی از ان «والدیر» یعنی دار

طلبان را چند هفته بعد از حرکت من از طهران بواسطه این که هدائی خطرناکی بود

مواظب من بوده و هیچ وقت غفلت نه نموده و از من منتفک نمیشدند مگر وقت خواب \*  
 چهاردهم دسامبر (بیست و دوم ذیحجه ۱۳۲۹) که ژوراستوکس از طهران حرکت  
 نمود که بدست خود در هندوستان ملحق شود \*

روز دیگر سفارت روس بدولت ایران اطلاع داد که اگر در ظرف شش روز تمام  
 مواد اولیه اتوم قبول نشود چهار هزار نفر قشون ساخالوی قزوین بسمت طهران حرکت  
 خواهد نمود چند روز بعد از آن از اثر پردهای نیازی و در حمایت اقدامات روس  
 دو هزار نفر ترا که از حدود ما زدن حرکت نموده و حقیقه تا دامغان هم رسیده و از  
 اینجا پانصفت را تهدید می نمودند در آن زمان طهران بیشتر از ششصد نفر نمیتوانست قشون  
 برای جلوگیری ایشان بفرستد يك همچو قشون بزرگی در تحت فرماندهی یکی از (لقنت)  
 های مسیویفرم فرستاده شد که آنها را از پیشقدمی مانع نماید \*

بیامات و تلگرافات اطمینان بخش و اظهار همدردی از جانب تمام مسلمانان عالم  
 بطهران هجوم آورد چند فقره از آن تلگرافات دماغ کابینه ایران را که از جنسی  
 قبل به نسایم کردن خود و ملت خویش بروسها را می گشته بودند مثل توده آتش سوزانید \*  
 انجمن دفاع ایرانیان از کلکته تلگراف ذیل را بکابینه مخابره نمود: «هرگز بقبول  
 مطالبات جدید راضی نشوید بلکه از آنتریکهائی که در محضرت و مسلمانان عالم ظاهر  
 شده نباید بگیری حتی زنان هندوستان هم بسیار بر آنکشته شده اند فشار تمالی برای  
 تحصیل اجازه و تسهیل کشیدن راه اهنست بامیجتهای جنوب اعتقاد نکنید قطعات و  
 روابط امریکائیها را زیاد کنید (۱) \*

وقتی وزیر خارجه عثمانی در جواب پارلمان اسلامبول توضیحی داده و نقشه حالت  
 حاضره ایران را رنگ تمسخر آمیز نوی داد آن طرف عثمانی جواب داد که ازادی و  
 استقلال ایران هیچ در خطر نیست زیرا که معاهده روس و انگلیس ضامن حفظ آن

(۱) این تلگراف نیم محضی حالت اصلی مصور شدن انگلستان و طهران و سایر ممالک  
 دیگر را واضح می نمود \*

اطلاع کامل حاصل نمودم که ایرانیان یقین کرده بودند در صورتیکه مجلس سهوات  
 کشیدن راه آهن را بروسها تفویض نماید روسها قشون خود را از ایران معاودت خواهند  
 داد و اشکال ترانسپهای اولیه اتوم بجمعی رفع خواهد شد جمله آخر تلگراف مزبور انداز  
 مصتف می باشد \*

میباشد در صورتیکه در آنوقت دوازده هزار نفر قشون روس تمام نقاط قلمرو شمالی ایران را تصرف نموده بود \*

مجلس برای خلاصی از این مسلکهای مختلفه و وهانی از این مضمضه های تازه بسیار کوشش و سعیهای غریب نمود یکی از اینخیالات تازه که بشکلشان جلوه نمود این بود که محالک مفیده از ژوئی امریکا را بپاوه دهند که در معاملات ایران مداخله نمایند شبیه چند نفر از لیبرالان احزاب و ارکان معروف مجلس بهلاذات من آمده و خواهش نمودند که مسوده قانونی مختصری ترتیب دهم تا کشیدن راه آهنهای لازم را که محل بحث است رعایت کنند و جای اسم را خالی گذاشته تا آن قانون را فوراً امضاء و اجراء نمایند و اسم شخص مشمول یا جماعتی از متمولین امریکا را بنویسم و ننگر آقا از نیویورک اجازه تحصیل کنم تا آن متمولین از دولت متبوعه خود اجازه و اطمینان تحصیل نموده و شروع بکار کنند و سمت این خیال عمیق را تحسین نموده و اظهار کردم که متأسفانه نمی توانم در این کار مداخله و اقدام نمایم \*

مشیرالدوله که فقط اسماً وزیر عدلیه بود اگر چه در موقع وصول و اشاعه اولتیماتوم از اقدامات کابینه بکلی خارج بود کسی را پیش من فرستاد که سوال کند اگر مجلس اختیارات نامه بمن بدهد آیا میتوانم با روس و انگلیس تصفیه این شروط را بکنم و نیز گفت برادرش که رئیس مجلس است منتهای میل و ارزو را بانجام کار بدین قسم دارد و گفته است که اغلب و کلام نیر عارفان از این رأی میباشند من تشکر نموده و گفتم بنظرم میرسد که مداخله در این گونه امور وظیفه و تکلیف کابینه است نه خزانه دار خصوصاً در صورتیکه اشاره یکی از اصول مقاصد این اولتیماتوم راجع بمن می باشد بعضی از و کلام هم رأی دادند که دولت باید بمطالبه روس در انفصال من از شغل خزانه داری راضی شود ولی بعنوان مستشاری مجلس مرا در ایران نگاه بدارند \*

و فتنه مجلس در کمال یأس هیئت دوازده نفره را نزد نایب السلطنه فرستاد که باو اطلاع دهند که چون مجلس هیچ اعتماد و وثوقی با اعضاء کابینه ندارد در شرف اختیار مسلک جدیدی است که به نایب السلطنه اختیارات نامه بدهند تا با روس و انگلیس شروع بمذاکرات نموده و از جانب دولت ایران بشرائط مناسبی با آن دو دولت صلح نماید و فلک والا حضرت مثل میت سفید شده و از بیداری حزن و اندوه در پیشان گردیده و و کلام را تهدید نمود که اگر سرنه دیگر این خواهش را تکرار نمائید بمفاصله نیم ساعت



بسمت ازلی حرکت خواهم نمود و حکم داد که کالسکه اش را حاضر نمایند \*

وقتی هر چهار فرقه سیاسی ایران یعنی حزب دیموکرات و اعتدالیون و اتحاد و ترقی و حزب داشناک میون (Dashnaktiyoon) (جماعت آزانه) توسط وکلاء خود جمع شده و قرار دادند که از اقدامات آینده قشون روس و پیشقدمی یعاقب پانفخت جلوگیری نمایند تمام قشون طهران که در آنوقت میتوانست حاضر شود منحصر بود بدو هزار سوار بخناری و سیصد نفر مجاهد ازمی با چند توپ مسلسل مکرم و تقریباً سه هزار نفر فدائی «واللاتیر» وطنی که قسم خورده بودند که دولت مشروطه ایران را محافظت و حمایت نمایند تمام این قشون فدائی هیئت بودند بینظم و بی اسلحه ولی شجاع و متهور بشهادت شجاعت و رشادتهائیکه چند هفته بعد از برادران نریزیشان از آنان بظهور رسید که تا شش روز با قشون و دو باطری توپخانه روس که عددشان پنج مقابل مجاهدین بود مقاومت نمودند در صورتیکه هیچ توپ و توپخانه همراه نداشتند اگر راههای کوههای طهرانرا تصرف و قبضه می نمودند بدون شبهه بر پا نژده هزار قشون روس قانسب می آمدند بجهت اینکه آن فدائیان آرزوی فوق العاده برای مقابله با قشون روس داشتند \*

علاوه بر قشون مزبور هزار و یکصد نفر ژاندارم خزانه نیز در آن زمان بود که به تربیت چهار نفر صاحب منصب ماهر و تنجاع امریکائی تربیت یافته بودند این موج ژاندارمری از مردمان وطن و ملت ایران که حقیقهً میخواستند خدمت بوملن خود تمام نمایند انتخاب شده بود و من تعهد کرده بودم که آنها را با اسلحه و مشق نظامی نگاه دارم و بعد از چندی سی و پنج نفر صاحب منصب ایرانی که فرماتده آنها بودند چون مغلوب شدن مجلس را شنیدند پیش من آمده و بجز تمام خواستش کردند که برای دفاع وطنشان به آنها اتن جنک داده شود من فرآن بسیاری داشتم بجهت ثبوت اشتیاق فوق العاده آنها برای مقابله با روسها \*

در موقعیکه لیدران و پیشوایان فرق سیاسی برای مقابله کردن با روسها مصمم شده بودند وقت تک تکی اعضاء کمیته حفاظت (محافظ) سرا ملاقات نموده و رأی و صلاح سرا بطریق برای اجراء مقاصد خود سؤال و پرسش کردند خوب بخاطر دارم بی اصلی و موهم بودن آن ملاقات را که دوازده نفر لیدران منتخب شده طبقات مختلفه عجیب و اجنبی با مسلکهای مختلفه در زیدگانی مشورت کردن از شخصی که اعتقاد آنها کافر و

بی ایمان بود در امری که ایا ایشان باید اقدام شجاعانه مؤثری بکنند و ایا این اقدام از هزارها قوس خوف و مرگ را رفع خواهد نمود و بالاخره ایا ضررهای جسمانی خارج از قیاس را باید از مردم دور بکنند؟ \*

سه ساعت در این باب مذاکره نمودیم آخر الامر مجبور شدیم که برخلاف مسلک و رضای خود اظهار این رأی را بکنیم که اگر مشون ایران مختصر قومی در شمال طهران برخلاف مشون روس بردارد بعد از آب شدن یخها یعنی بهار آینده بقیه هزار نفر فزای روس داخل ایران شده و شراره آخری آزادی و استقلال ایران را پایمال خواهند نمود نه يك پيوه زن و نه يك طفل بنیم را باقی خواهند گذاشت که بر قبرهای سر بازان فدائی ایران ماتم سرائی کنند \*

اگرچه آن مذاکرات بسیار المناك و عجیب بود و شاید هم حق نداشته باشند که مسئولیت آن کار را بعهده شخص اجنبی وا گذارند اما از یاد آوردن آن قضیه خیلی خوشحال میشوم که وقوع و پیش آمد مصیبت خطراتی را با ایشان اطلاع داده که مفری از آن نداشته و خواه بخواد آن مصیبت وقوع می پذیرفت \*

باری علی الظاهر مخالفت مجرمانه با مطالبات روسها راضی گشته و نوشته‌هایشان را برجیده و رفتند باب مختصری علاوه بر ابواب مقرره نوشته شد که در نظر بیشتر اهل عالم معنی درست صحیحی ندارد ولی نزد اشخاصی که آن واقعه بر ایشان گذشته معلوم از معانی و فوائد است \*

در این وقت در اطراف طهران شهرت داشت که بواسطه تهدید و رشوتهایی که مامورین معروف روس با کثرت و کلاه ایران بکار برده مجلس بقبول آن شروط راضی و مطیع خواهد گشت در این هنگام زنان ایران اقدامات معرزانه وطن پرستانه نمودند که سر آمد همه کارهائی بود که از ابتداء تجدید حیات ایران نموده بودند \*

زنان ایران از سنه ۱۹۰۷ يك جنبش بسیار ترقی نموده بودند اگرچه از حزب «رادیکل» بشمار نیامده و ترقی آنان ذاتی و اصلی نبود ولی با این حال از ترقی یافتگان عالم محسوب میشدند آن اقدامات زنان خیالات مدرسه قرنهارا خراب و فاسد نمود و هیچ خالیهم بصحت اینقول وارد نمیشود که آنوقایع طبیعی و حقیقی بود \*

اگر بگویم که این قوه قویه اخلاق که مردان مشرفی آنها را سر آمد متاع و انان مشرق زمینان نامیده و بواسطه اهالی ایران خوب منظم گردیده و بجهت مخالفت به قسمت

کم عمری بزودی پرموده شده بود شاید بیان واقع باشد آن زنان برای زنده نگاهداشتن روح ازادی کوششهای بسیار می نمودند در حالیکه ایشان در تحت دو قسم فشار و مظالم بودند یکی پلیسی و دیگری تمدنی و معاشرتی و در اتخاذ طرق حکومت مشروطه و اوغتن قوانین پلیسی و معاشرتی و اخلاقی و تجارقی از اهالی مغرب زمین بیشتر از مردها مایل بحركات خوشنالی ملبانه بودند نظیر این امر غریب این است که بسیاری از علماء نیز این ارزوی مردم را امداد و معاونت می نمودند استمداد ملت از قرقه که همیشه در موقع تغییرات و انقلابات قوائد قدیمی خود را طالب بوده بیشتر مورث تعجب میکرد در صورتیکه نقصان کلی از آن تغییرات پلیسی بمنافع تاریخی ایشان میرسید \*

در ظرف مدت پنجسال یعنی پس از آن انقلابی که بدون خون ریزی در سنه ۱۹۰۶ به ارزوهای خود مشعنه کامیاب شدند هنوز اثر مظالم مظفرالدین شاه شراره و شعلهای غضب الوده از جشمهای مستورد زنان ایران اشکار بود و در جد و جهد تحصیل ازادی جدید و علامات آن با کمال سعی بعضی رسوم مخصوصه را که از قرون پیش در ایران معمول بود تروک نمودند \*

موقع بسیار یافتیم که ظهور اثرات و اراده های عالیه زنان اسلامی که پی در پی واقع می شد به پیغم \*

اما که اروپائی و امریکائی هستیم از زمانه درازی بشرکت دادن زنان مغرب زمین در معاملات و پیشها و علم و ادب و فزیک و پلیتیک عادی شدیم اما چه میتوان گفت در باره زنان برده نشین و محجوب مشرق قریب که بافصله کی استاد و مدیر جرائد و بانو کلوب زنانه و نطایق مضامین پلیسی شده و با کمال قوت مشغول بترویج و ترقی خیالات مهمه مغرب زمین می باشند معلوم نیست مملکتی که از قرون عدیده باین طرف در تاریکی و خاموشی استبداد پیچیده شده خیال اشتراک مملکتهای در تجدید زندگانی پلیسی و تمدنی از چه وقت طلوع نموده و این اعتماد راسخ آنها در قوانین پلیسی و تمدنی از کجا پیدا شده؛ هیچ محل تردید و شبهه نیست که این گونه خیالات در ایشان حادث شده و حال هم هنوز باقی است و عقل و ادراکی که بواسطه تجربه عملیات سانهای دراز عموماً تحصیل نموده اند بر آن خیالات افزوده شده \*

زنان ایران نمونه مشعشی از یافت و دلهای باکیزه خود در قبول خیالات جدید و اظهار نموده و با تهور و مجاهدت بشکل خیالات خویش مشغول گشتند \*

پس از چند روز از ورود بایران در تحصیل عقائد ملی یعنی مجلس و جماعتی که وکیل و محل امیدواری و خیالات بیشتر اهالی ایران بودند نائل شدم پس از حصول امر منبسط فوراً بیک اثر بزرگ دیگری اگر چه مخفی بود منتقل گردیدم که آن اثر مرا از چشمان مهربانی که از روی حسد و رشک بجرکات من بود محافظت نمود در طهران شهرت داشت که دو جین ها و دست ها از اعضاء انجمنهای سری زنان هستند که مخفی و کتام و در تحت او اسرار مرموزی که زمام نظم ایشان را در دست داشت میباشدند تا امروز هم به اسم هیچیک از آنها را دانسته و نه آیدران آن اثره را می شناسم ولی از طرق عدیده مطلع شدم که هر ارباب از جنس آن زنان ضعیف در پیشرفت کارهای من مساعدت می نمایند \*

ذکر نظائر جدیدی برای اثبات این مطلب کفایت میکند در تابستان گذشته بکروز صبح در موقعیکه در اداره خود نشسته بودم گفتند یکی از منشیان ایرانی دفتر خزانه برای مذاکره امر لازمی خواهش ملاقات دارد در مشرق زمین اخبار و اتفاقات عجیبه بی مقدمه و بی سابقه بانسان میرسد که آن خواهش را نمی شود بعیج قسم بسهولت رد نمود انقدر جوان داخل شد تا از زمان او را ندیده بودم بزبان فرانسه با هم گفتگو کردم بعد از اظهار معذرت و اجازه مکالمه از اذانه گفت مادرش طرفدار ما بوده و بشمار الیه تاکید نموده که بن نگویند که زن من باید بخانه فلان امیر ایرانیکه خانواده او مهاجر کرده بودند برود زیرا که امیر دشمن حکومت مشروطه است و رفتن زن من بخانه مشا الیه باعث بدگمانی ایرانیان از من خواهد شد از او تشکر نموده و تا انوقت خود مهمم از آن مقدمه دعوت اطلاع نداشته و زود ملتفت شدم که همان قسم تدبیر شده و بیرونی نمودن اتم نصیحت کرده شده بود تا آنجا که جوان را طلبیده و سؤال نمودم که مادرش از چه راه از این معامله مخفی شخصی زن من اطلاع یافته است جواب داد که مادرش در انجمن سری زنان عضویت دارد و در اینجا این مسئله مطرح مذاکره و بحث گردیده و قرار شده است که این امر را بن اطلاع دهند \*

در یک معامله دیگر تازه تری جماعت بسیاری از زنان فقیر و پریشان ایرانی بپارگ اتابک آمده که بن اظهار نمایند که چون اداره خزانه نمیتواند وظائف و مشوریهای دولتی مرد مرا برساند و بیش از یک میلیون دالر قرض دارد و مثل این وجه برای مصارف غشون داوطلب که با تمام غشوع جنگ میکنند لازم دارد مخالف و بر ضد من میباشدند

یکی از معاونین ایرانی خود را فرستادم که آنها را ملاقات نموده و سؤال نماید که کدام کس آن اعتراضات را بایشان تعلیم نموده است آن شخص مراجعت نموده و اسم یکی از مشاهیر مخالفین را که آنوقت در اسداده و طرفداری معامله محمد علی بود ذکر نمود جواب دادم که اگر به آراهی و سکوت تمام متفرق و منتشر شوند فردا جواب به آنها داده خواهد شد و آنها نیز متفرق شدند \*

بعد از آن یکی از انجمنهای زنان توضیح مشکلات مالی و ممکن نبودن تأدیبه آموزشات را بسبب حواجی مهمه دولت مشروطه فرستادم بانضمام این خواهش که در آینده ازین گونه شورش و هیاهو برخلاف خزانه منع و جلوگیری نمایند اگر چه بعد از آن تاریخ تأدیبه و نظایف ممکن نشد ولی از جانب زنان هم دیگر اجماع و شورش در آن باب بعمل نیامد \*

در طهران معروف بود که هر وقت زنها برخلاف کابینه یا دولت بلوا و شورش میکنند حالت کابینه و دولت بسیار خطرناک و سخت خواهد شد \*

در موقع ضبط و توقیف املاک و اموال شعاع السلطنه چون دولتروس ملتفت شد که قونسل جنرال هیچ بهانه قانونی برای جلوگیری و منع از آن اقدام ندارد متوسل باین تدبیر شده و این حیل را اظهار نمود که پارک شعاع السلطنه واقعه در طهران در بانک استقراضی روس کرو میباشد و مالکشر بیانک مزبور دو بیست و بیست پنج هزار دالر متروص است همه میدانستند که آن ادعا لغو و آن مطالبه بیجا است و لکن چون آن طریق سرانته طریق مختار و مرضی عمومی نبوده و شاهزاده یانی برای حفظ املاک خود از ضبط شدن آن مکر و توریه را نموده بود من نتوانستم بطلان آن ادعا را اثبات و خلاف آن را مدلل بنام بانک روس هم در عوض ارائه نمودن دفاتر و اقامه بهبود برای اثبات آن قرض مانند کردها بی اعتقائی می نمود \*

در اینموقع دلیل بینی برای تجماعت و وطن پرستی یکران ایرانی بدست آورده و درجه میران همراهی او را با خزانه دولت مشروطه احساس نمودم \*

یکی از مشاهیر معاونین ایرانیم که تخصص وطن پرست تربیت یافته عالی بود ملاقات من آمده و اظهار داشت که خواهرش که یکی از زوجات شعاع السلطنه است سواد بی و صیت نامه اخیری آن شاهزاده که همان سال قدری قبل از حرکتش از ایران مطابق رسوم معموله مذهبی و اسلام بطوریکه سر او را یکمتر تخصص ابرو مندرست بدست آورده بود

در آلمان به برادر خود اطلاع داده که آن سند را که در واقع فهرست و صورت تمام اراضی و املاک آن شاهزاده به چنانچه باید و شاید حاوی بود بن نشان دهد سواد مزبور متضمن بیان مشروطی بود از تمام محاسباتی که شاهزاده مشارالیه بر مردم یدک کار و طلبکار بود در حقیقت راپورت کاملی از دارائش بود با اینکه در ارائه سند احتمال خطر جانفود و فرزندانش بسیار میرفت با احتمال چون مشارالیه یقین کرده بود که ارائه آن سند از وظایف بلکه فرائض وطنی او میباشد سواد آنرا پیش من فرستاد به امداد سند مزبور توانستم از کذب اخیری دفاع کنم که دولت روس برای دروغ و اقدامات قانون شکنانه و خصاله ما مورین قونسلخانه خود در این معامله اعتماد کرده بود \*

در این ایام تاریخی که اوام مردم در تردید بود که آیا مجلس باقی خواهد ماند یا منفصل میشود؟ زنان ایران با هیجان و حرارت قلبی برای محافظت آزادی و معیت فوق العاده وطن خود آخرین اقدامی که آنان را بر مردان تقوی و برتری داده و دلیل شجاعت و وطنشان بود بعره ظهور رسانیدند شهرت داشت که وکلاء و نمایندگان در چند جلسه سر می مجلس قرار داده بودند که مطالبات روسها را تسلیم نموده و راضی شوند بازار ایران و اهالی پایتخت فرقه فرقه شده بودند در اینصورت مابین وکلاء را چگونه به اداء وظایف خود شان مجبور می توانستند بکنند

در این موقع زنان ایران جوانی مهیا نموده و سیصد نفر از آن جنس ضعیف از خانه و حرم سراهای محصور با آفر و خنگی شمره که از عزم تابستان خبر میداد بیرون آمده در حالتیکه در چادرهای سیاه و تقابهای مشابک سفید مستور بوده و حرکت نظامی می نمودند بسیاری از ایشان در زیر لباس یا استینهای خود طهارتها پنهان داشتند یکسره مجلس رفته و در آنجا جمع شده و از رئیس مجلس خواهش نمودند که تمام آنها را اجازه دخول دهد رئیس مجلس بملاقات نمایندگان ایشان راضی شده در اطاق ملاقات با رئیس مقابله کرده و طرف مذاکره شدند باین خیال که سواد خود یا همراهانش مطلب و مقصود شانرا درست تلفظ نشوند آن هیئت مادران و زوجات و دختران محبوب ایرانی طلبجهای خود را برای تهدید تائیس داده و تقابهارا پاره کرده و دور انداخته و اراده و عزم آخری خود را اظهار و اعتراف کردند که اگر وکلاء مجلس در انجام فرائض خود و محافظت و برقرار داشتن شرف ملت ایران تردید نمایند مردان و فرزندان و خود مان را کشیده و اجساد مان را همین جامی اندازیم \*

اگرچه مجلس از يك طرف دست فاعله های روسی در یکی دو هفته بعد از یاد آمدن ولی از آلاپش لر و ختن سقوط وطنی ملت خود میرا گشت \*

آیا با این حال سزاوار نیست که به آواز بلند فاش و بر ملا گفته شود که «عزت و شأن تقاب بوش ایران پاینده باد» بواسطه اطمینان و اتمکال با ورام مردان که همیشه در مقابل نظرشان مجسم بود فرصت تعلیم خود را بروقتی خیالات جدیده از دست داده و محروم گردید و نتوانستند از آن اقدامات خود فائده صحیحی ببرند با انفعال و با صراحت و سمانت مردان از پیماة آزادی سیراب شدند همه روزه بولهای خود را برای اعانه مملکت خود میدادند و خدام وطن را تشویق نموده و هر لحظه بمشتم حسرت مآدرانه بر آنها می نگریستند در آن موقع و آن ساعت دمشت ناک حرن افرا که دلهای مردان ضعیف شده و خوف حس و زجر و دار و گلوله ریز شدن بر شجاع ترین اهل مملکت را پائنه و باعث خفقان قلبشان شده زنها کوتاهی نکرده و از دیگران عقب نماندند \*

چون روسها از نهدید و دادن رشوه بر خلاف مجلس فائده نبردند مجبوراً بخراب کردن آن حکم دادند \*

بعد از ظهر بیست و چهارم دسمبر (دوم محرم ۱۳۳۰) کابینه که از طرف عدیده معزول شده بود مجبور بکار بردن يك طرف دست بر خلاف مجلس شد بموسطه عدیده ژاندارمه و دسته از ایل بختیاری بخارج کردن تمام وکلای و مستخدمین و اجراء جرم داخله مجلس کامیاب و کامران شدند و بعد از آن درها را بسته و مقفل نموده و عدیده کشتری از گارد هایون که معروف به رتیمان شاهی بود برای محافظت مجلس گذارده و بوکلای تهدید نمودند که اگر در مراجعت به انجا یا جمع شدن در جای دیگر سعی نمایند کشته خواهند شد شهر طهران فوراً بطرز حکومت اولیه یعنی استبدادی و نظامی گردید آن هفت نفر مدیر که از پیش خود بطور دل بخواه تشکیل شده بودند به آن امر مهم خوفناک اقدام نمودند باطمینان آنکه قشون زیاد بختیاری که تقریباً در هزار نفر و بعد از شکست دادن قشون شاه مخلوع در سنا بر گذشته در پای تخت جمع شده بودند دو مرتبه بحکم و تصدیق نواب و مأمورین بمحافظت دولت جدید و حمایت ایشان مشور خواهند شد نواب روس بتربیب و مطمئن کردن اعضاء کابینه معزول شده که مقاصد و اثراتشان طرفداری روسها بود نائل شده و مقصود خود رسیدند ممکن نیست دانسان این امر که چه مقدار جمع و خوف آن کابینه معزول شده را در ظل حمایت

اغیار بخالفت و خرابی مملکت خود حاضر و راضی گردانید ولی بدون شبهه از هر دو مهلکه حصه و سهم کافی داشتند رئیس الوزراء یکی از مشاهیر سرداران بخایاری و وزیر جنگ بود سردار هفتم سردار دیگر بخایاری بود که فقط از پاش خود وزیر جنگ شده بود آن سرداران هیشی بودند هر یک از وطن پرستان کوهی و صحرائی پایاغیهای قهری که همیشه قشون وفادار و راهزن طماع ایران بودند صفت و خصلت تمامی آنها شاید فطری و جهلی بوده که در مقابل قراق و توب خانه روس زندگانی با شرف و موقع عزیز خود را به ثمن بخشی نقد بعلاوه وعده فریب آمیزی فروخته و خائنه دادند یعنی لهستان و وزارت عظمائی مثل وزارت مالیه که ابداندر در خانواده و طایفه ایشان باقی باشد چون بر خلاف رأی مجلس که هیچ اطمینانی بابشان نداشت بحمل اسلحه مصمم شدند آن قشون دیگر با اسلحه دولت مشروطه یعنی ژاندارمه طهران بسرکردگی آن سرد شجاع اومنی یعنی بفرم خان که ظاهراً از سازش کابینه با روسها دل خود را باخته و بموافقت با ایشان آن در داده بود برده آخری دولت مشروطه را بچپیده و آخرین اثر او را محو نموده و خائنه داده و سر انجام حیات مملکت و استقلال خود را برحم و وجدان ان هفت نفر مأورین یا حکام مشرقی که مملکت خود را بر وسها فروخته تقویص نمودند این اقدام خائنه افسوسناکی بود برای جد و جهد تجاعاته آزادی و نور علم \*

عصر هر روز بسیاری از وکلاء تفصل شده به اداره من آمدند من ایشانرا خوب میشناختم که تربیت یافته و تحصیل نموده اروپا و باجرات و دیانت بوده و بوطن دوستی ایشان اعتقاد کلی داشتم تحمل اش حرکت خارج از قانون هموطنانشان بنظر آنها صعب تر از يك بلای بلبکی با نوهین مذهبی بوده و حرکت وحشیانه و جرم بزرگی بود با اشکها و آواز مرتعش و دلپای پریشان مردم بودند که ایا وزراء سابقه و کسانیرا که خرابی دولت و مملکت را باهائیت درجه رسانیده بودند بکشند یا بر حسب خیالات مشرقی ها مسلک خود کشی را اختیار کنند از من مشورت نموده و رأی خواستند من در پریشانی و تحیر واقع شدم که ایا درباره محافظت جانهای غداران مشهوری که ملت خود را بی پناه کرده بودند حق خواهم داشت اخرا لاسرا ایشان را مجبور کردم که از آن هر دو خیال منصرف شوند یعنی نه خود را بکشند و نه وزراء را زیرا که از کشتن هموطنان باغی هیچ نتیجه صحیحی عاید نمیشد بجز اینکه حمله و بهانه های روس و انگلیس را رنگ ابتری نری دهند که بگویند ابرایران قایل نظم دادن و مرتب نمودن امور مملکت خود



نی باشد \*

چون عناصر آخری و کلای دولت مشروطه که برای تمجیل آن چندین هزار نفر جنگا نموده و خون خود را فدا کرده و دو چار انواع مصیبتها و گرفتار انعام بلاها شده بودند در یکاعت بدون ریخته شدن بکفطرح خون محروم نبود شد مردم ایران یوقام اجل عالم اعداال و مراث خود را مالیشی دادند که شاید سایر ملل متمدنه نظیر آترا نتوانستند برصه ظهور رسانند \*

کرار از من سوال کرده شد که آیا ایرانیان قابل نظم امور مملکت خود میباشد ؟ ابا ایشان بی اطلاع صرف نی باشند ؟ و آیا روح ملیت و قومیت و علم بمحتوی خود دارند ؟ همه میدانند گفتن عبارات وطن پرستانه و اظهار احساسات ملی نمودن در مواضع صلح آنهم مابین مردمان مطیع فرمان بردار و وقتیکه هیچ احتمال خوف مقابله سخت بانواع وحشی و تصادف به آفات و بلاها نباشد چقدر سهیل و آسانست ولی وقتیکه يك هیئت هفداد نفره و کلاه مسلمان در حالت خوف عاجل و جهس یا سر نوشتی بدتر از آن از لشون قوی تر و از حبت هندو غوس بیشتر از خود بارشوه و سازشها و تهدیداتی که بوما فیوم به آنها میشد مقاومت نمودن و در نعر گمتمانی و خوف اعدام وقتن و با این حال انکار از ترک عرت و شرافت مانت خود نه نمودن کاری بسیار مشکلی است تصور بهکم از این باانات پایه احساس و درجه ملیت بخوبی واضح و مسلم شده و همینقدر کافیست \* هر کس حال آنوکلاه ملت شده دیده بلا کشیده را در آن روزهای سیاه ظلمانی میدید نمیتوانست که ایرانیان را دوست نداشته و بارزوهای عالی و منصفانه ایشان اظهار همدردی نکند تصور آنها معروف است ولی القصور تقصیر اطراالیان یا کسانی که افعال و اقوال ایشان را انعام می دادند بود \*

انکار لیاقت ایرانیان در نظم و تقویت امور خود در امکنه که بر آنها حمل کرده شد سبقت بر سوال گرفته است ( یعنی این انکار جواب قبل از سوال و از درجه اعتبار ساقط است مترجم ) این امر را که ایرانیان در پلتك عملی و در « نیکیتك » اصول تشکیل و نظم دولت مشروطه و کابلی خود اطلاع کامل ندارند تمایذ کسی نتواند انکار نماید ولی در اینکه ایشان بطریقه مخصوصی استعداد کاملی برای ترقی دادن تربیت و اخلاق و بیانات خود داشتند هیچ محل تردید نخواهد بود بنجسال زندگانی ملی بسیار کم است و میرزی نیست این ملت برای اصلاح امور شخصی بکفر کافی نیانند با این

## باب هشتم

حالت ایرانیان بواسطه مساعی و کوششهای بنحساله خود و حال آنکه در تمام آن مدت گرفتار بر پشالیهای امور داخلی خویش و دوچار مشکلات دول دوست نمای اسمی بودند تا درجه معند بپی بقاصد خود نائل شدند سعی و کوششی را که ملت ایران برای قلع و قمع بکفر مستبد خود خواه کرده بواسطه اینکه از ادیکه تازه بر صحت زیاد و جدیت بسیار بدست آورده بودند سلب کرده بود آن دو دولت اروپا در تمام عالم منتشر نموده که اهل ایران مردمان ناچار و بی کفایتی بوده ولایت و شایسته تشکیل دولت مستقل محکی نیستند و نمیتوانند امور داخلی مملکت خود را منظم نمایند \*

کسانیکه از حقیقت امور ایران اطلاع کامل ندارند اگر از موانع و اشکالاتی که باعث زوال آن دولت شده مستحضر شوند تصدیق خواهند نمود که اندولت بیچاره و بی پشت و پناه صید کفیفه یارهای منحوس دولی شده که از چند قرن باین طرف مشغول آزمایش و امتحان بودند و جان و عزت و استقلال بلکه هستی رعایای آن دولت بیچاره را تاوان قمار یا شرط و سبق دولتی قرار داده بودند که بر سائرین پیشی نگردد \*



## — \* \* \* — باب هشتم \* \* \* —

در میزان روابط و تعلقات من یا دولت حقیقی ایران قتل عام تبریز و رشت و اتزلی بتوسط قشون روس حرکت و خارج شدنم از طهران \*

از اول دسمبر (نهم ذیحجه ۱۳۲۹) که کابینه مصمص المصلطنه بقبول کردن اولیای قوم روس مجلس رأی داد علناً روابط وزراء با من تغییر نموده و ظاهراً مصمص شده بودند که بهیچ قسم با مطالبات روسها مخالفت نمایند و متوقع بودند که بواسطه مستعفی شدن فوری بدون تحصیل اجازه مجلس راه آنها را سهل و آسان نمایم \*

اگر چه بالطبع میل مفرضی باستعفا داشته ولی هیچگاه خیال عدم تصویب مجلس هم در دل من نگذشته بود در صورتیکه مجلس دوسرئیه قانوناً رأی و پیش نهاد کابینه را در قبول آن اولیای قوم رد نموده بود استعفا من بدینقسم یعنی بدون اطلاع و رضایت و کلاء نباید غضب یا سلب حقوق مجلس میشد با اینحال مکرر با مشاهیر و کلاء و مأمورین معزز دولتی مذاکرات نموده و با کمال صداقت باینسان گفتم که من برای نصرت و معاونت دولت بایران آمده ام اگر پس از مستعفی شدن نتوانم خدمت لا یقتر

و مناسب تری بدوات بکنم با کمال شرف قلب و طیب خاطر حاضر و راضی میباشم  
 جواب متفق علیه آنها این بود که چون تعیین خدمت و مأموریت شما از اول بتصویب  
 مجلس بوده اگر بدون اجازه مجلس مستعفی شوید حقیقتاً مخالفت با مجلس نموده وحتماً  
 وکلاً نسبت مخالفت و عهد شکنی بشما خواهند داد بسیاری از ایرانیان چه از طبقه  
 اعیان و مأمورین دولتی یا هموم اهالی سرمایه ملاقات نموده و تماماً خواهش نمودند که در  
 هیچ حال استعفا ندهم زیرا که آن استعفا خائنه کاملی بامید واپسای دولت مشروطه و  
 مشروطه طلبان خواهد داد \*

از ظهر روز اول دسمبر کابینه مصدق السلطنه هیچ سمت قانونیت نداشت بواسطه  
 عدم اطمینانی که وکلاء از آن کابینه داشتند و هم باین جهت که سرداران بختیاری چون  
 تازه مزه حکومت و ریاست را بواسطه رئیس الوزرا بودن یکی از سرداران ایشان چشیده  
 و مایل بانزوا و راغب بگوشه نشینی و کناره گیری، مثل زمان سابقشان نبودند علاوه بر  
 این مابین سرداران بختیاری و قونسلیخانه روس اتحاد جدیدی معکوس شده بود بکلی واضح  
 بود که دولت روس ایشانرا ترغیب بدمعامله کرد و برحسب رأی آن دولت اقدام نمودند \*  
 بعد از آنکه مطالبات روس را مجلس رسماً رد نمود و حال آنکه دولت روس هرگز  
 هیچ گزافی نمیکرد مأمورین و کاشتگان روس در طهران از راههای دیگر سعی و کوشش  
 نمودند که اولتیماتوم روس الحلاً در ظاهر قبول شود یعنی باین اسرفتناعت نمودند که آن  
 اولتیماتوم را علی الظاهر قبول بکنند در آن هنگام که امور مملکتی پریشان و اهالی مضطرب  
 و مشوش بودند نقود بسیاری به اسم دولت روس مابین فقراء و مساکین تقسیم کرده  
 شد در مساجد عذیده که عده کثیری از مردم جمع شده و بر حسب عادتشان برای  
 کمی و تنگی نان دعا می نمودند از طرف دولت روس غذا بزارها فقراء ایرانی باین عنوان  
 که خصومت و ضدیت مجلس با روسها سبب کمی و تنگی نان شده است تقسیم کردند با  
 اینکه معلوم بود که پول آنها را روسها داده اند شایدم کمتر از صد هزار روبل در  
 این راه خرج نشد \*

عصر اول دسمبر بعد از گشودن پرس علاء الدوله ورد تمدن کابینه از طرف مجلس  
 خبر رسید که بسیاری از خوانین بختیاری که بیشتر از سایرین با من عداوت و خصومت  
 داشتند با اشاره امیر منجم غدار بر انگیزه شده و اتفاق نموده اند که تبارل من دربارگ  
 اناک حمله نموده و خزانه دولتی را تصرف کرده و دواتر را آتش زده و امریکائیا را از

خدمتشان منتهی بمانند امیر شجاعه و بسیاری از بختیارها مقدار زیادی پول برای مصارف و مقاصد اتباع خود در تابستان گذشته از من گرفته و من بگرفتن صورت حساب و مخارج آن وجوه مصر بودم \*

چون این خبر بمن رسید یکی از دوستان ایرانی خود را بمرکز مخصوص بختیارها فرستادم که بخواهین اطلاع بدهد که اگر خیال چنین اقدام بیهوده دارند لازمست که ثانیاً فکر و تأمل نمایند مقصود من بی شبهه اطلاع دادن به آنها بود که از طرز خیالات و رفتار ایشان مطلع میباشم گاه ژاندارمه خزانه پارک اتایک را از بجهام نفر ساقی بیشتر نمودم که مجموعاً یکصد و بجهام نفر همیشه اثواب مرخصیت بودند بختیارها هیچ نیامدند \*

قدری بعد از این واقعه ما بین یفرم خان و سرداران بختیاری تعاضت و عداوت سختی واقع شد و تأمدت مدیدی هر ساعت احتفال مصادمه سخت با اسلحه بین بختیارها و پلیس و ژاندارمه یفرم خان میرفت یفرم از ریاست نظمیه و پلیس شهر مستعفی شد شهرت نمود که بختیارها با بیگانه نژاد در تحت حمایت روس و فرمان کرنل ژاپاسکی در گرفتن اسلحه از پلیس طهران و نمایین یفرم - ان سازش و اتفاق نموده اند این سوظن مخوس بینظمی و برپاشانی شهر را زیاد تر نموده و هر ساعت احتفال بغاوت و خونریزی شدید میرفت و فدائیان که عددشان دو هزار نفر بود اعلان کردند که برای مقاله حاضر و میا میباشند \*

منافزه بین یفرم و بختیارها و تنه دلتنه باصلاح انجامیده و خاتمه یافت و متحصص مذکور یعنی یفرم مسئولیت نظم ادارت پلیس را بعهده گرفت \*

عزت و شئونات ما بواسطه جاسوسان نظامی روس در پارک اتایک روز بروز زیادتر میگردد مخصوصاً چهارم دسمبر ( دوازدهم ذیحجه ۱۳۲۹ ) یکی از آنها سعی نمود که نسبت بمسئولین و فراولان نوهین نماید \*

از وضع سلوک و رفتار و توق الدوله وزیر امور خارجه و برادرش قوام السلطنه وزیر داخله احساس مهر سردی اشکاری نمودم اگر چه آندو نفر از سابق نامن دوست بودند ولی ان تغییر مسلک و رویه جدید از زمانی شروع شد که مائفت شدند که مسیو لکتر را برای نفتیش و تحقیق حبله و آفتاباتی که از یک سال قبل از آمدن من بطهران و بعد از ان در امور مالیه آنها جاری بود میخواهم به تدریر روانه کنم مالیات ایلان اذر بایحان

تقریباً یک میلیون تومان بشار می آمد اما از چندی قبل از آنکه شغل خزانه را بعهده بگیریم و همچنین در تمام تابستان که خزانه دار کل بودم بر حسب اظهار خود پیشکار ایوانی مالیه اینجا يك « سانیم » ( پنج يك پکنشاهی بول ایران ) برای دولت وصول و جمع نشده بود باین جهت لازم بود که بیشتر از بیشتر تحقیق و رسیدگی نمایم زیرا که فصل تابستان برای پیشکار وقت و موسم خوبی است برای وصول مالیات شجرمانه خیر رسید که پیشکار قسمت و تعویب خود را گرفته و بار خود را بسته و حکومت مرکزی یعنی طهران و خزانه تبار را مسخر میکند آن بی پروائی و بی اعتنائی پیشکار مالیه اذربایجان تا باید باین واسطه و باین اطمینان بوده که مشارالیه بدو آن در وزیر سابقی اندک که یعنی وثوق الدوله و غوام السلطنه بوده مسبب عداوت و مخالفت بی مقدمه و آنی ایشان پس از اطلاع از مأموریت مسیول کفر به نیر بر ظهور پاوسته و از این تقریب سبب نیز بخوبی واضح و آشکار میشود \*

سازش و آفرینکهای عمیق و جلب منافع شخصی بقدری در ایران رائج و معمول است که بسمرت تمام میتوان فهمید که آن دو وزیر بر آنچه به آن سرعت بقبول اولتیماتوم روس حاضر و به آن اسفندی راضی شدند در صورتیکه بخاطر پیاوریم یکی از هدایات آن مطالبات را که « عزل موری مسیول کفر از خدمت دولت ایران » باشد \*

امور مذکور فوق و اقداماتی که کابینه شردستی در بیست و چهارم دسمبر ( دوم محرم ۱۳۳۰ ) برخلاف مجلس نمود روابط و تعلقات بین من و کابینه را بخوبی تشریح می نماید و قتی که ملازمت و شغل مرا هیئت و کلاه مجلس تعیین و اختیارات تامه مرا در امور واجبه عالییه تصویب نمودند سیزدهم ژوئن ( نازدهم جمادی الثانیه ۱۳۲۹ ) قانونی را جاری و معمول داشتند که یکی از مواد مهم آن اقتدار کلی حرازه دار در تکالیف و فرائض مالیه بود در زمان حکومت و اقتدار هر کابینه که باشد این اقدام همان درجه و مرتبه صاحب منصبان عرضه عثمایی را اظهار می نمود \*

وقتی که مجلس چهارم منحل و آناه شد امریکائیا بدون هیچ عنوان و بی معاونت کسانی ماندند که آنها را مأمور کرده بودند تا وقتیکه آن کابینه که آن و رراء حقیقه بزور پلیس و ادعای باطل تشکیل داده و در قبضه خود در آورده بودند بر سر کار بود امریکائیا بی معاون و بی حامی ماندند نه اختیار و اقتدار قبول و تصویب آن هیئت را داشته و نه میل آنرا دارا بودم بواسطه انفصال مجلس آن امیدواری آخری که بنوام خدمت صحیحی نکشم که بحال ایرانیان تابع و معین باشد مبدل یاس گردند و بجمهور

شدم که کار خود بان را خاتمه پذیرفته تصور تمام \*

از قبل از بیست و چهارم دسامبر کابینه توسط صاحب‌منصبان و مامورین مکرر رای میداد که مستعفی شوم برای ترغیب و تخریب باین کار و قبول اظهارات خویش و عده نمودند که علاوه بر تمام حقوق و مواجیه که دولت ایران بموجب قرارداد دادنی بود يك نشان شیر و خورشید درجه اول یعنی همان نشانیکه تا آنوقت باسراء و صاحب‌منصبان طبقه اولی داده میشد بافضام يك رضا نامه قانونی در عوض خده‌اتیکه بملت ایران کرده بودم باحق تعیین هر کسرا که میخواهید بخوام باضافه امتیازات و احترامات قوی العاده دیگر بن بدست من جواب دادم مادامیکه رضا نامه اطمینان بخشی از وکلاء تحصیل نکنم و قاطعاً نشوم که ایشان آن استعفاي مرا حل بر عهدتگی وعدم مراعات حقوق و ضبط مجلس نخواهند نمود مستعفی نخواهم شد اگرچه آن رضا نامه یا اظهار نامه شخصی و غیر رسمی هم باشد همین اطمینان برای من از نشان مرصع و پارچه کاغذ و انعامات دیگر کافی و اولی تر خواهد بود وقتی باین ترغیب و تخریبها قانع و راضی میشوم که از طرف کسانی که تا بحدکی قانونی و کالت داشته و خدمت مرا تسایم و نصیب نموده اند داده شود شنیدم اعضاء کابینه این جواب مرا بچشم او پسندیدگی نظر نمودند \*

چند روز قبل از شروع انقلابات و تودستی بیست و چهارم دسامبر کابینه مسلك مخالفت بلکه خصومت ببنی بان اختیار کرد و خوانین بختیاری نیز تهدیدات خود شان را بجهت کردن محل سکای من و غارت خزانه دولتی تهدید نمودند \*

اتصال و معدوم شدن مجلس خاتمه بود برای دولت مشروطه ایران \*

بعد از ظهر روز بعد که روز عید «کریسمس» (Christmas) (مولود مسیح) بود بشرف ملاقات رئیس کابینه وزارت خارجه نازل شدم کاغذی فارسی بن داد که ترجمه آن ذیلاً درج می شود (مراسله منبوره در نسخه اصل از فارسی با انگلیسی ترجمه شده و اکنون در اینجا از انگلیسی فارسی) :- جناب مسأر شوستر معزز محترم! هئاتجه جناب عالی مسبوق و مطلع می باشید کسبونیکه مغرب بیست و نهم ذیحجه ۱۳۲۹ از جناب مجلس با اختیارات نامه منتخب شد برای اقدام در تصفیه و اصلاح مواد اولتی اتوم دولت روس که روز اول همان ماه هجرت وزراء بقبول آن رای

داده بودند خلاصه و نتیجه آن اقدامات سفارت روس و مآء اصلاح داده شد (۱) نظر باید که یکی از لغزات اولتیماتوم مذکور راجع به اعادت و انفصال وجود محنوم جناب عالی از خدمت دولت ایران و قطع تعلقات اشخاص از امور مالیه می باشد بوسیله این مراسم از بجاری حالات جناب عالی را مطلع می نماید امور راجعه بشغل خزانه داری و تکالیف کسیرا که جناب عالی دفاتر و شغل خزانه را یاومی سهارید و مرتبه و مشاغل سایر مامورین امریکائی را که برای مستخدمین دولت ایران طلبیده شده اند در فرار داد دولتی که بعد برای جناب عالی فرستاده میشود معین خواهد شد \*

نوشته مزبور امضاء هفت نفر وزیر سابق را داشت که مصصام السلطنه و وثوق الدوله هم در امضاء آن شریک بودند \*

در موقع وصول آن حکم عزل که بکلی برخلاف قانون بود قبول نمودن یکی از سه مسلك بنظر آمد که در اختیار هیچ يك مانعی نداشتیم قبول یا رد نمودن احکم را بقوه جبریه و یا آنکه هیچ جواب نداده و انجام آنرا بعهده کابینه حقیقی که بعد تشکیل بشود موکول نمایم اگر مسلك آخری را اختیار میکردم تا حال به پناه در ایران مانده بودم لکن رد نمودن احکم خارج از قانون منجر به بلوی و خونریزی شدیدی در طهران میشد زیرا که مردم هم از بسته شدن مجلس متفرق و منتظر پناه بودند در صورتیکه مسلك مخصوصانه یا کابینه و رئیس آن که بجهت و مکر برای خود اقتدارات دولتی را فراهم نموده بودند اختیار میکردم ممکن نیست بگویم که نتیجه چه میشد \*

اغلب و کلاء معزول شده برای اجماع تازه کتبی و بجهت انفصال مجلس از خلاف اصول مشروطیت و مخالفت نایب السلطنه با قسم خود و پانگی و غدا از قرار دادن در راه تدارک بلوی میدیدند چیزی از آن اصحاب و بلوی جاوگیری نمی نمود مگر نظم و نسق بسیار سختی که بایس بفرم داده بود و همچنین حاضر بودن دو هزار بختیاری در طهران که دستجات کوچک آنها در راهبر گردیده و مردم را از ارتکاب برخلاف نظم باز میدانستند

(۱) آن کسیون هیچ گاه قانوناً انتخاب شد و نه همو اطهار و اندامی از طرف هیئت مردم که اعضاء کسیون نامیده شده اند اختیار و تصویب کرده اند مصعب مسترد و دلیل صحیح آن واقعه را دارد دلیلی که از همه ادله در آنها بیشتر اثر کرده و اقش می بدد این است که آن قسم اقتدار و اختصار از طرف مجلس داده نشد چیزی که حقیقت دارد و واقع شده این است که وزراء قبل از سعی به برطرف نمودن من اقدام با انفصال مجلس نمودند \*

و ترس از بر یکازد قزاق و خوف ز یاد شدن قشون روس استشفظین سفارتخانه روس در طهران در صورتیکه قشون روس بفاصله هشتاد میلی طهران یعنی در قزوین بود که ملایرا از جمله بوزراء و کسانیکه احساس خیانت و تقلب از آنها نموده بودند باز میبایدت بفرم و وزراء مخصوصاً وثوق الدوله در اطراف خاکهای سفوت گارد و مستغفط بسیاری ساختار نموده بودند \*

بعد از تمکیر بسیار مصمم بخارج شدن از ایران گردیدیم زیرا که تکلیف فرضی من همان بود و از ماندن امریکاییها در ایران از آن به بعد فائده مستوف نمیشد باین جهت بیست و ششم دسمبر (چهارم محرم ۱۳۳۰) جواب ذیل را بهیشت کابینه نوشتم :-

جواباً افتخار اظهار این مطالب را حاصل میکنم : که در خصوص اختتام مدت قرار داد التجانب با دولت ایران و انفصال از شغل خزانه داریم اطلاع داده بودید بعد از تعیین تخصیص مسئولیت دولتی خود را باو منثقل و تسلیم تمام و بعد از تعیین مرتبه و مشاغل چهارده نفر امریکائی مددکار و معاونینم که در انخصوص اظهار شده بود که در سرمایه دیگر از طرف هیئت محترم زمین خواهد کردید به بهترین قسمی قبول داشته و بطرز صحت عمل خواهد شد بالفعل شغل آینده معاونین امریکائیم بزرگترین خیال لازم و مهم من است (۱) \*

(۱) علاوه بر مستر شارل مکاسی و مستر بروس دکی که به همراهی هم بطهران آمده بودیم و مستر کرفز که در نوزدهم ژوئن وارد شد امریکائیکه بر حسب اجازه قانونی و امر مجلس در اوقات مختلفه تعیین ملازمت و قرار داد آنها را نموده بودم وارد شده بودند مستر لورین بی جور دان (M. Loring P. Jordan) و رابرت آریوات (Brott) (M. Robert R. مکوتر (منشی) و مستر فرانک جی ویلی (M. Frank G. Whitney) و مستر بی جی فنیس منس (M. P. J. Fitzsimmons) محاسب خزانه و مستر جی ان مریل (M. J. N. Merrill) و مستر اسکار پرنس (M. Oscar Prouss) و مستر جون ایل کرین (M. John F. Green) و مستر ای بی لوری (Lowry) (M. F. P. متافان و صاحب نمپان خزانه و مستر دیابو جی ادانون (O'Donovan) (M. W. J. و مستر تیورن پی بون (M. Turin B. Boone) و مستر دی جی واترز (M. D. J. Waters) معاونین اداره اغلب این اشخاص نا او اخر ماه نوامبر و اوایل ماه دسمبر وارد طهران شده بودند \*



چند روز قبل از هید « کریسمس » مطلع شدم که مشافان نظامی امریکائی و صاحب منصبان ایرانی ژاندا نوری خواهش ملاقات مرا دارند آن خواهش قبل از زمانی بود که آن اقدامات کابینه که در پیست و چهارم دسمبر بر خلاف مجلس نمود احتمال برود \*

بعد از ظهر روزی عید صاحب منصبان منبر بوده را حسب المقرر ملاقات نمودم چون میدانستم که أهل طهران چقدر مایل بشنیدن اخبار واهی و بی اصل میباشد شورشن روز قبل را که بر خلاف کابینه شده بود بخاطر خود داشته و مواظب بودم نطق مختصری نموده و بشار الیهم گفتم<sup>۱</sup> شما فقط صاحب منصبان اداره مالیه میباشد و باید از هر گونه اقدامات و مذاکرات عمومی پستی اجتناب و پرهیز نمائید با آنکه آن ملاقات و مذاکرات بر ملا و در حضور جمعی از پیشخدمتان و تقاضا جهان بوده و نهایت احتیاط و مآل اندیشی را مراعات نموده بودم در شهر منتشر شده و شهرت کرد که ژانداره خزانه را طلییده بودم که ایشانرا مسلح نموده و برای افتتاح مجلس مأمور گردانم بعد از ملاقات منبر بوده سراسله راجع بان افواه از جانب وزراء رسید \*

پیست و چهارم دسمبر ( دوم محرم ۱۳۳۰ ) از جانب حاکم موقی ( نایب الحکومه ) تبریز خبر رسید که افواج روسیه که در انجا ساخلو بودند شروع بقتل عام میکنند نموده اند قدری بعد از آن خط سبیم بخابره تلگرافی هند و اروپا قطع گردیده و باب بخابره مسدود گشت بعد از تحقیق معلوم شد که از آثار کلوله قطع شده بود علاوه بر نشون موجوده روس در تبریز افواج دیگر نیز در بین راه جلغا و تیریز بودند علت اصلی قتل عام یا قتال تبریز معلوم نیست مشهور بود وقتی که چند نفر سالدات روسی تقریباً ساعت ده شب بیستم دسمبر ( پیست و هشتم ذیحجه ۱۳۲۹ ) به بهانه کشیدن رشته سیم تلفون پیام عمارت مرکز پالیس ( اداره نظمیة ) بالا رفته و از طرف مستعظین ایرانی از آنها پرسش و ممانعت شده بود سالداتها با شلیک تفنگ جواب دادند صبح نه دس در بازارها قتل عام شروع شده و تا چند روز همان قسم جاری بود نایب الحکومه راهپورت داد که قشون روس مشغول بقصای و کشتار شده اند زنان و اطفال و مردم بی طرف نیز در معابر میکشند تقریباً چهار هزار نفر قشون و دو باطری توپخانه روس اطراف شهر تبریز حاضر و موجود اند تقریباً هزار نفر فدائی تبریزی در قلعه قدیم که معروف به ارگ است پناهنده شده ولی با اسلحه و نوزخانه کمی در نویم هیچ ندارند روسها

اتصافاً تا چند ساعت کلوله روی نموده و بسیاری از فدائیان را کشند. چون نشون روس عدلی زیادتر و نا تویخانه بودند عاقبت غالب شده و فتح نمودند در آن موقع حالت دهشتناکی با حالی تیریز طاری شده بود که جان و شرف هیچک از اتباع ایران محفوظ نبوده و امنیت نداشتند در موقعی که مسیویا کلیوسکی کریل وزیر مختار روس مقیم طهران بجزایری که نشون روس در تبریز تحت فرمان او بود تلگرافی نموده و او را به ترک جنگ و اسکات امر کرده بود زیرا که در پایتخت در آن موقع آن امور در دست مذاکره و تصفیه بود جنرال مزبور بوزیر مختار جواب داد که فرمانبرمای قفقاز از قلیس بن چنین امر نموده محکوم و مطیع حکم طهران نیستم \*

روز سال نو میلادی که مطابق با دهم محرم و روز مائیم بسیار و برگشت در تقویم مذهبی ایران روز مقدس و محترمی بشمار میرود حاکم نظامی روس در عمارت دولتی تبریز که بفرقه‌های روس بر آن افزاشه شده بود نقه الاسلام را که رئیس روحانیین تبریز بود با دو نفر ملای دیگر و پنج نفر از صاحب‌منصبان بزرگ و مأمورین اہالت تبریز بدار کشید چنانچه بیده انگلیسی اظهار می نماید (تبعیج این ستم و ظلمیکه بر ایرانیان وارد آمده مثل آنست که کتربری (Cantebury) بادی بزرگ را در روز «گود فرایدی» (Good Friday) (که یکی از اعیاد مقدس ملی مسیحیانست) بدار یزند بر قلوب انگلیسها تا تیرض مانند همان تا تیر بست که بدلهای ایرانیان راه بافته) از آن زمان بعد روسها در تبریز هر ایرانی را که میخواهند بدار زده و بجرم «مشروطه طلبی» بجرم نموده و میکشند و همه روزه نعل و کشتار چه با دار و چه با تفنگ بجاری و معمول بود در آغاز شروع و شهرت افتانهای مزبور یکی از اجزاء اداره وزارت خارجه سنت پترسبرگ در موقع ملاقات یا مدیر چر بیده اظهار نموده بود که روسها انقام خود را بدست خود خواهند گرفت تا وقتیکه درد و آخرین قطره اثر انقلابی (دیوکرات) از بیخ کده شده و ازین بر آید \*

بسیاری از مردم پس از اطلاع از تهدیدات هولناک و بخاطر آوردن انتقامی را که روسها در سال ۱۸۷۱ میلادی (مطابق سنه ۱۲۹۸ هجری) در ترکستان کشیده که اسکوبلف (Skobeloff) هشتمزار نفر ترکان بی بناد را در دنگه (Denghilope) بقتل رسانید (فقط باین مناسبت که طول زمان امنیت در آسیا نسبت عدد مقتولین امت) و قسمتی از اهل چین را در آبادی «بلاگوس چنک» (Blagosoul chenk)

که واقع در کنار رودخانه «آمو» می باشد روسها در سنه ۱۹۰۰ میلادی (مطابق سنه ۱۳۱۷ و ۱۸ هجری) باین خیال که رعب خود را در دل اهالی چین جای دهند که در آینده در جلو معاملات و مقاصد شان اشکال نموده و از مشقت رهائی یابند امر بک کوچ کردن از آن محل نمودند اهالی آن قریه اظهار داشتند که کشتی با مسافر و سایر عبور از آب ندارند ان سفیرهای روسی با اهالی بیچاره حکم پریختن در آب نمودند و باین قسم تمام اهل آن آبادی را در رودخانه مزبور غرق کردند در اضطراب بودند \*

با تصادف و پیش آمد و قایم مزبوره پسیدن معنی مقاله نیررسی «نویوریای» روس که می نویسد «در این حال حقیقت انسانیّت و مروت منقضى ظلم است و باید تمام اهل تبریز را مسئول قرار داده و برایشان برسانیم برای اغراض و چشم هوسی روسهم حادی خواهد بود» چندان مشکل نیست \*

از تجربه و عادت صریحاً ثابت می شود که دولت روس با داشتن قدرت در اقدامات مزبوره به هیچ قسم از وعده خود کوناهى و مخلف نخواهد نمود و گفتن اینکه حولنای و مدعیان بودن حالات تبریز هرگز حقیقتاً معلوم نخواهد شد شاید از تکذیب و تنقید مصون و محفوظ بماند روسها توجه و اهدای کاملی در توقیف و ضبط اخبار نموده و بلا مانع انواع کشتارها مانند بدار کشیدن یا با نوب بستن یا با گلوله تفنگ کشتن کرده و بعد بانواع بیرحمیها مثل داغ و شکنجه و مثله با اجساد مقتولین رفتار می نمودند قصاصیهای سبعانه و معاملات بدتر از آنچه ذکر شد با زنان و اطفال در معاشرت آن بیچارگان سند خوبی برای اثبات ادعای روس که خود را حامی انسانیت میخواند بوده و دلیل ممتفی است برای افسران نظامی ملتی که حاکم مطلق و رئیس کل خود را حامی ترقی مجلس صلح عمومی و طرفدار اینگونه آدمیت میدانند \*

همان اوقات که قتال در بازارهای تبریز رواج و شیوع داشت واقعه مهم دیگری نیز پیش آمد در رشت و انزلی که با نمر حدها میل فاصله دارد قشون روس بدون مقدمه و بی اطلاع و بی استعمال بکنفر پلیس ایرانی را با بسیاری از سکه آن حدود با تفنگ گلوله ریز نمود و کشتند بعد از آنکه کابینه ایران اطمینان کامل در قبول تمام فقرات اولنیاتوم بسفارت داد انخواریری رشت و اربلی واقع شد اطمینانی که دولت انگلیس در رأی خود علناً داده بود که (پس از قبول مطالب و مواد اولنیاتوم قشون روس که بایران حمله نموده و داخل تنده مراجعت خواهند نمود) و شرطی که دولت روس

رسماً کرده این بود: که لا وقتیکه واجبه تازه واقع نشود که باقی داشتن قشون لازم باشد  
یعنی در این صورت قشون از ایران خارج خواهد شد \*

دروشنائی و انعکاس واقعات سابقه الذکر بخوبی واضح می شود که ایرانیهای بی  
پشت و پناه بد بخت که در مقابل قشون روس هیچ بوده و روسها آنها را شکار خود قرار  
داده بودند آنها ممکنست که در آن واحد در تبریز ورشت و انزلی بانواج روس حمله  
نمایند و حال آنکه روسها هم از حیث اسلحه قوی تر و مستعد تر و هم از حیث عدد  
بیشتر از آنها بودند \*

در فاصله بین بیست و پنجم دسامبر و هفتم ژانویه (بین سوم و شانزدهم محرم ۱۳۳۰)  
رود غاتهای خشم و غضب بوزراء خائن ملت فروش حمله و تهاجم نموده و بتدریج زیاد  
شد و روست و اظهار مخالفتهای تلگرافی از ولایات و ایالات بر ایشان هجوم آورنده و  
نایب السلطنه و کابینه را برای حمله بوکلا مشروطیت ملامت و توبیخ نمودند مگر  
بوزراء گفتیم: که مفصل شدن از مشاغل قبل از آنکه نایب بجای من معین شود امور  
خرانه را بحالت فلج خواهد انداخت و اگر اقدام فوری در این باب نشود بموجب قانون  
میزدهم ژون مجبورم که مشاغل خود را به اون بز رنگ خود مستقر کرنز تفویض نموده  
و برای املاحات کابینه امور مالیه مشارالیه را نامزد کرده و طهارت را وداع نمایم کابینه و  
نایب السلطنه وعده نمودند که مستر کرنز بعنوان خزانه دار کل جانشین من خواهد بود  
اگر چه خود مشارالیه آرزوی ماندن در ایران را نداشت ولی سفارتین انگلیس و روس  
تهدیدات سخت نموده بودند که در صورتیکه غیر از مسیومورنارد رئیس پلیسی گمرک  
دیگریا برای آن کار انتخاب کنند بعد از کوتش بی فایده دو هفته کابینه که شاید  
انتخاب منفق علیهمی نماید و بعد از آنکه از دو روز قبل بکابینه اطلاع داده بودم که  
اگر تا چهل و هشت ساعت جانشین سرامعین نکند خودم معین خواهم نمود هفتم  
ژانویه امور مالیه را مستر کرنز سر دم که طریقه قانونی برای استقلال خود اختیار  
کرده باشم \*

عصر آن روز خدمت خود را رسماً مستر کرنز تفویض نمود و قبض و اقباض هم  
بعمل آمد و بوزراء و بانگها هم تقبیر و تبدیل جدید را اطلاع دادم و اختیارات نامه  
خود را راجع به نوشتجات رسمی و دوائر خزانه داری دولتی بمستر مکاسکی سپردم \*  
چند ساعت بعد نایب از طرف کابینه تلفون کرد که با مراسله مهی عزم ملاقات

مرا دارد بعد از آمدن حکم قانونی از طرف نایب السلطنه آورد تا ریغش پیش نوشتن شده ولی در اصل حکم تصویب نشده بود. بانضمام سراسله از جانب وزراء که مسیور مور نارد را بست خزانة داری موثقی معین غلام اگر چه سراسله و حکم مزبور در وقت تنگی بین رسید ولی بدون شبهه وزراء بعدالصلوات که در هیچ حال خدمت خود را بمسیور مور ناره نخواهند داد زیرا که اخلاق و عاداتش معروف ببدی و بدنام بوده و از رویه بیفلسفی کارهای او بطوری مستحضر بودم این نمونه است از مسلك و طریقه ایرانیها باری حکم و سراسله مرپوره را بستر کرز که تازه زمام خزانة داری را بدست گرفته بود دادم \* مستر کرز فوراً بوزراء اطلاع داد که حاضر است که خدمت خزانة داریش را بیانشین معبود خود ائتمال دهد مشارالیه و سپردن فرودستان امریکائیش بواسطه اینکه دولت ایران بموجب اعتراف خود از قرار دادش تخلف نموده مصمم شدند که آنملکت را ترک نمایند \*

اهم ژانویه (هجری ۱۳۳۰) نایب السلطنه پیغام فرستاد که روز بعد میل ملاقات و وداع با من دارد و شاه کم سن هم میل دارد که در دربار مرا ملاقات نموده و از زحماتم تشکر نماید \*

روز دیگر در کالسکه نشسته و مرپه آخر بدر بار رفتم که اعلیحضرت را ملاقات نمایم چون بعزات سلطنتی رسیدم از مابین صفوفه بنده در باربان معمر افسرته دل و صاحب منصبانیکه لباسهایشان میدرخشید و خدام مشعل فرمانبردار گذشتم شاه جوان بسیار کم جرأت و جبون بود جفاشه در جلسات خصوصی درباری نیز عاداتی ترمید بشوسط مترجم مکانه و کلمتگو نموده و خدما نیکه برای اصلاح امور مملکتش کرده بیان نمودم با متانت و سنجیدگی تمام تشکر خود ادعیه صادقانه خود را برای شادمانی و کامیابی و استقلال شاه تقدیم نمودم اگر چه زانگانی با استقلال شاه مشکل بنظر می آمد \*

اعلیحضرت وعده نمود که يك قطعه عکس خود را در قالب مخصوص گذارده و برسم یادگار برای من بفرستد ولی بسیار کم امید و امیدین عکس را روز بی هشتم \* از انجا بچل مخصوص نایب السلطنه رفتم و حد ساعت وقت خود را در گفتگوی با والا حضرت صرف نمودم ایشان اظهار ناسف بسیار از حرکت من نموده و اظهار اندیشه و خوف سستی از آینده مملکت می کردند \*

در این اثنا مستر کرز با وزیر مختارهای روس و انگلیس شروع به اسلات نمود

که آنها را بستند و مدتی در آن اسیر بمانند. حاضر و راضی کند که بکسوت به بواسطه قبول دولت ایران اولیاً تا نوم روس را قرارداد های مزبور شکسته ورشته مراسلات کسوت به شد و آن اسیر بکائیا هم حق مراجعت حاصل نمودند. مستر کرنزنجونی تلفت شد که وزیر ایران فقط احکام و دستور العمل های سفارت روس را اجراء می نمایند وقت را شنیدمت دانسته و حرکت را بر تصفیه و تسویه سایر امور ترجیح دادیم \*

چون اسباب مسافرت آماده و تکمیل شد صبح پنجشنبه یازدهم ژانویه (پنجم محرم ۱۳۳۰) پارک اناپک را گذارده و بطرف الزلی رهسپار شدیم. نایب السلطنه «اتوموبیل» نوی را که تازه برای سواری شاه و خودش وارد کرده بود بجهت سواری من فرستاد جمعیت همراهان صارت بود از مسجر شوسه تر و دو دختر کوچک و معلمه آنها و مستر قدوار دلی (H. Filioard Bell) منشی سفارتخانه آمریکا در طهران که تعطیل منصری گرفته و بهاریس میرفت صندوقهای خود مان را پیش فرستاده بودیم چیزی که باقی مانده این خیال بود که آنها قبل از رسیدن راههای کوههای بین طهران و بحر خزر بواسطه برف می توانیم عبور کنیم \*

صبح صاف باشکوهی بود که کوههای شمالی طهران از برف پوشیده و سفید شده بود خورشید در آسمان صاف شفاف و درخشان و نسیم با روح جان بخشی وزیده و هوا موافق ولی دل های ما غمگین و انسرده بود که کارهائیکه بخوشی و شوکت امیدوار با تمامش بودیم بیخانه آتی غیر منظره تبدیل یافت \*

وقتیکه ما بین حلقه درستان امریکائی و ایرانی ما اول و انسرده خود ایستاده و در طرف داخل شدن به «اتوموبیل» بودیم ناچار از عصر ورود خودمان در همانجا در هشت ماه قبل بخاطر آورده و حقیقت ان خیال از خاطر م عبور شود که امیدوار پهای ملت مسلمان با تحملی که از مدت مدیدی برای تجدید عزت و تفرات از دست رفته خود در عالم تحمل انواع مصیبت نموده بودند چگونه از پیرحمی افواج یکی از مال مسیحی که متحمل نامیده میشوند از بیخ کنده و ازین قطع گردید \*

ساعت نه و نیم صبح از دروازه قزوین طهران خارج شدیم مستر وارنت فرانسوی «شفر» شاه سکان و زمام «اتوموبیل» را در دست داشت \*

هرگز فراموش نخواهم نمود ان احساسات و تألمات خود را در موقعیکه از خیابانهای تلوئی بر جمعیت طهران که همه مردم بکار خود مشغول بودند گذشتند و بیخاده شوم \*

خاموش بی صد رسیدیم و قایع هشت ماهه گذشته بقلب من هجوم آورد کسی نمیتواند  
 منظره آرزوهای نافص با کامپرا بخورد این خیال که همه آنها گذشته بدون احساس  
 الم ترک و فراموش نماید آرزوی بسیار و میل مفرطی بخدمت باهل ایران داشتم و فتنه که  
 مسکنه طهران از حرکت امروز ما مطلع شده اند بسیاری از نمایندگان خود را پیش من  
 فرستاده که اطلاع بدهند که جمع کبیر و جم شفقری برای وداع مایل بهانات من می  
 باشند جواب دادم: میل ندارم همجو جمع می پیش من جمع شده و شایسته هم نیست  
 چون ان خبر بگایسته رسید بلیس بنایندگان انصمتهای مختلفه اطلاع داد که هیچ جمعی  
 ما قون نخواهد بود که بدین قسم اجتراع نماید و فتنه که «اتوموبیل» ما از محازات باغ شاه  
 عبور می نمود دسته های ژاندارمه هزاره را دیدیم که در اردوگاه خود مشغول مشق  
 نظامی بودند اگر چه بعضیها ایشان را بچشم حقارت میدیدند ولی هیتی بودند که اگر  
 نظم و ترقی بانها داده میشد اکثر مسائل مهم و دشوار ایران بواسطه آنها حل و  
 آسان میگردد \*

ساعت سه و نیم بعد از ظهر همان روز وارد قزوین شده و از آن شهر که مثل از  
 نشون روس بود گذشتیم و فتنه که از دروازه اخری عبور میکردیم یکدسته سالدات روسی  
 که قریب پنجاه نفر یا زیاد تر بودند دیدیم چند نفر از ایشان با کمال منانت و وقار خم  
 شده هجومی نمود که میخواهند از زمین سنگ بردارند ولی اگر میخواستند بطرف ما بدین  
 ما بپااندازند سنگشان بائی رسید زیرا که سرعت تمام حرکت می نمودیم غیر از این  
 واقعه هیچ توهینی نسبت با واقع نشد \*

چون بمیانخانه و «امشاسبون» بوزاک (Bulnak) رسیدیم که محقر و مختصر و  
 دور از کار جاده شوسه واقع و با قزوین با فاصله میل فاصله داشت بوران و برف شروع  
 شد در ظرف ده دقیقه بواسطه برفهای خشکی که باد آنها را مانند ابر غلیظی سرعت از  
 کوهها بی آورد جاده بکلی محو شد در آن که سنگی شب را بسر بردیم صبح بعد شهرت  
 کرد که جاده بکلی مسدود شده است بعضی ما میگفتند ممکن نیست که بتوانید از قله  
 و فتنه های ان کوهها عبور نماید دو ساعت وقت لازم بود که جوان برفهای «اتوموبیل»  
 را با حرارت آتش آب و بلك نمود زیرا که نصف «اتوموبیل» مزبور بر از برفهای  
 بوران شده بود ساعت ده و نیم روز بعد سوار شده و حرکت نمودیم چون به بلندترین  
 قله نزدیک شدیم دیدیم که راه بواسطه برفهای چهار فونی بسته شده است (هر سه فوت

## یاب نهم

يك كرمی باشد) بمعاونت عدّه كشتیری از عملیات راه که اکثر اوقات ما را از میان برضا بیرون کشیده و خلاص می نمودند و بواسطه مهارت و فطانتی که مستر وارث در والدن آن «آوموپیل» بکار میبرد توانستیم که از انجا عبور نمائیم «آوموپیل» میبورد بسیار قوی و دارای قوه باجاء لمب بود ساعت پنج عصر بمیان خانه «نجیل» رسیدیم آن واحله سریع السیر بیک حرکت پنج ساعته ظهر روز بعد آن مسافرت پهنانیده ما را بازلی خاتمه داد درین راه از مابین چندین دسته افواج روسی که در کنار راه بودند عبور نمودیم و در «اسکله» (لنگرگاه) يك کشتی جنگی «کروزور» (Cruiser) (زره پوش) روسی نیز تنگ انداخته و سهر در تحت تصرف و اختیار قونسل روس انجا بود روز بعد که چهاردهم ژانویه (پست و سوم محرم ۱۳۳۰) وعید نوروز (سال نو) روسها بود «کروزور» وسائر کشتیهای جنگی روسی بشلیک توپ سلام مشغول بودند همان روز بعد از ظهر موار کشتی روس موسوم ب«پهران» شده و بجانب یاد کوبه رهسار شدیم ساعت پنج و نیم عصر آن روز سرد و دریای خزر بسیار متقلب و طوفانی شده ساحل ایران و چراغهای افزای از نظر ماتماب شد باب مختصر اسفانگری در پاس امریکائیها از نظم مالیه در آن سرزمین نوشته شد \*



## یاب نهم

در خصائص و خصال نایب السلطنه وسایر صاحب منصفان و اموری درین دولتی مسلک مجلس و اختصاصات آن لیاقت و قابلیت ایرانیان \*

نایب السلطنه حالیه ایران ابوالقاسم خان و لقب ناصر الملک میباشد که اصلاً از اهل همدان و تحصیلات عالییه خود را در دارالعلم «آکسفر» تکمیل نموده است مشار الیه یکی از هم «کلاس» های سرادواردگری وزیر امور خارجه حالیه انگلستان و از دوستان صمیمی لرد کرزن میباشد در زمان سلطنت مظفرالدین شاه و رئیس الوزرائی امین الدوله ناصر الملک بوزارت مالیه مأمور و اششاه دعواتر وزارت خانه مزبوره را در تحت زیاست و نگرانی خود داشت سپس بمحکومت ایالت کردستان مأمور شده و تا چهار سال در آن ناحیه حکمران بود یکسال پس از آن یعنی از زمان شروع دوره اول مجلس رئیس هیئت وزراء بوده و قلمدان وزارت مالیه را نیز دارا بود هنوز بعضی از



اسرار وزارت خانه خود را تصفیه و اصلاح نموده بود که محمد علی شاه پادشاه آنگوت مشارالیه را عیس نموده و خوف نتاش میرفت که بتوسط سفارت انگلیس نجات یافت هانوز که از جنگال شاه خلاص گردید روانه اروپا شده و تا زمان خلع محمد علی و عود مشروطیت در ژوئیه ۱۹۰۹ در اروپا توقف داشت چندی پس از آن بطهران مراجعت نموده ولی از قبول خدمات دولتی استنکاف ورزیده و همین قانع بود که ملیین را معاونت اخلاقی نموده و وزراء و وکلاء را در مشورت امداد نماید چندی بعد مجدداً علی الظاهر بعنوان معالجه خود و فرزندان بارو یا مراجعت نمود اندک زمانی پس از فوت عضد الملک نایب السلطنه اول متارالیه را مجلس بنیابت سلطنت انتخاب نمود هشتم فروردیه ۱۹۱۱ (هشتم صفر ۱۳۲۹) وارد طهران گردید که زه ام مشاغل خود را بدست گیرد از اولین و هله که والا حضرت ناصر الملک را ملاقات نمود ایشان را شخصاً با ملاحظات مالیه و هم بجانب مستشاران امریکائی مایل و راعب یاقتم در مدت هشت ماه که در طهران بودم باستثناء یکماهه دسمبر که در آن مدت فی الواقع ارتباط صریحی با دولت ایران نداشتم با ایشان ملاقاتهای طولانی میکردم مخصوصاً بر حسب خواهش خود شان در مسائل مختلفه مالیه و غیره که دوچار مملکت شده بود آزادانه مذاکره کرده و صحبت می نمودم نایب السلطنه شخص بسیار خوش محصر با وفاری بود انگلیسی را بخوبی تکلم می نمود فرانسه هم میدانست پایه تحصیل و تجربه وسیع کاملی داشت که بتواند مشکلاتی را که جلالت ایران در کونش تشکیل سلطنت مشروطه مصادف گردیده بخوبی شرح دهد ایشان بسیار وضع دنیوی دانسته و می توانستند در تقایص هموطنان خود و ضروریات موقع و لوازم حالات عالمانه صحبت دانسته و بخوبی تشریح نمایند از بیانات ابتدائیه ایشان حالتیکه روی هم رفته احساس کردم این بود که با شخص دانای وسیع النظر کاملی صحبت میدارم بهر حال پس از ملاقاتهای عده که میخواستیم بعضی نواقص و تدابیر مالیه را خاطر نشان ایشان نموده و معاونت شخصی و عملی و اثر قدرت نفوذ اسم ایشانرا بجهت اجراء آنها بر مزبوره جلب تمام خیلی متأسفم که واضح شد که والا حضرت بعضی اینکه اقدامات مجدانه در اصلاح مواضع مزبوره بکنند رغبتشان در بیان و تشریح آن مواضع و اشکالات بیشتر بود بیانات ایشان طوری بخاطر نفس می بست مثل اینکه با طبیب حاذق سریشی که مرض خود را تشخیص داده و در شرف از هاق روح است گفتگوی نماید شخص شوالده مجبور بود که لیاقت آن طبیب را در تشخیص مرضش

تعمیر نموده از تحلیل قوا تشخص دهنده قابل که مصروف بیان آن بود اظهار تأسفق نماید کراوات پس از ملاقات و مذاکرات دوسه ساعتی با ناصر الملک در حالیکه خاطرهم از بی اطمینانی موهومی آکنده بود مراجعت نموده ولی نمی توانستم انگشت خود را بالای امر مخصوص گذارده یا اشاره کنم نیزیکه ایشان گفته و بظاهر مقبول و صحیح نیاشد با اشخاص متعدد اروپائی و ایرانی که در اینباب صحبت داشتم معلوم شد که بیانات ناصر الملک بقلب ایشان نیز همین نقش را منتعش نموده است \*

سوی این جزئی تعین شاید بزرگترین عیب ناصر الملک احاطه خیالی بود که از اول ایشان را محاصره نموده و تا روز آخریکه ایشان را ملاقات نمودم خیال مزبور را ترک نکرده بودند که مردم با نیابت سلطنت ایشان مخالف بوده و از طرف انجمنهای محلی سرکزی طهران جانانشان در معرض خطر میباشد چنانچه خود شان اظهار داشتند که اگر دو باره به «اروپا» بروند دیگر مراجعت نخواهند نمود قبل از آنکه عضد الملک به نیابت سلطنت منتخب بشود بانفای آراء ایشان را انتخاب کرده بودند ولی بقصد گوشه گیری از قبول خدمات دولتی انکار نمودند بهر حال پس از فوت عضد الملک در سپتامبر ۱۹۱۰ «اواخر شعبان و اوایل ۱۳۲۸» انتخاب ایشان بسمت نیابت سلطنت صورتی از آن حزب مجلس شد که بعدها باسم اعتمادی موسوم شدند و حزبی که پیشتر مایل با اصلاحات بوده و ناصر الملک را دوست داشت همان حزب است که بعد «موسوم به «دیوکرات» گردیدند ایشان شخص داوطلب بسیار معروف قلمی یعنی مستوفی الممالک را برای اینکار در نظر داشتند بهر حال پس از مذاکره مخفیانه ناصر الملک به نیابت سلطنت منتخب شده و هر دو مریقی مجلس در انتخاب ایشان متفق علیه گردیدند مسلم بود که ناصر الملک مقبول از و پانیا عموماً و سرادوار کرمی خصوصاً بود و کلاً «مهمونداشند» که انتخاب ایشان ب نیابت سلطنت در جلب حمایت دوستانه دول اروپ برای دولت ایران بسیار مؤثر و مفید خواهد شد ولی قبل از آنکه بطهران مراجعت نمایند مراسلات عدیده از طرف اشخاص مجهول غیر مسئول با ایشان رسید که در صورت مراجعت ایشانرا بکشتن تهدید نموده بودند این امر علاوه بر اینکه حرکتشان را معوق داشت چنان تاثیر بقلب ایشان نمود که در مراجعت بایران کلیه مردم بودند از لندن و پاریس و سایر نقاط عرض راه تلگرافات مفصلی ب مجلس نمود و بعضی شروط پیشنهاد کردند که قبل از آنکه ب مقام منیع خود نائل شوند باید ب موقع اجراء گذارده شود معتضترین شروط

مذکوره این بود که مجلس باید به «پارتی» ها و احزاب مختلفه منقسم و پارتی و فرقی که اکثریت داشته باشد کابینه تشکیل نموده و تا زمانی که حزب غالب بواسطه اکثریت باقی و مسئول باشد کابینه معبود «پروگرام» و دستور العمل ایشان را اجراء نماید بدون شبهه در ایجاد آن بدعت رأی ناصر الملک اصولاً صحیح بوده و مجلس هم لوازم رأی مذکور را قبول نمود در دولت مشروطه (انقلابی) قاعده اکثریت و مراعات لوازم انقلابی بجهت تناسب حقوق بین اکثریت و اقلیت در شعب قانونی دولتی امر بسیار لازمی است ولی ایرانیان مردمان غربی میباشند چون از اصول مسلك «دیوکراسی» بی تجربه بودند همیشه یکتبه خط انفصال سیاسی میانشان مراسم گردید فوراً رقابت ندید بلکه عداوت شخصی بین فرقه اعتدالی که از حیث عدد دارای اکثریت و حزب «دیوکرات» که معدودی بودند شروع شد اگر چه قبل از این تفریقهم رأی اکثر و کلا مجلس نسبت با اتخاذ «پروگرام» (طریقه تثبیت امور) و نظم دولت مشروطه که حکومت مستقلی در ایران تشکیل نمایند مختار بود ولی همیشه خود را اهل یا مشروطه خواه دانسته و تمام اقتدارات و قوای خود را با جد و جهد معنوی وطن پرستانه صریحاً در تصفیه و حل مشکلاتی که با اکثرشان مصادف شده بود مصرف میداشتند ولی منافسه و بد رفتاری و رقابتهای حزبی در عملیاتشان چندان راه نیافته بود ناصر الملک پدر (موجد و مؤسس) این قدرت حزبی پارلمان گردید این بیان را نه بطور بیانات می نویسم بلکه مقصودم ذکر وقایع تاریخی است بدون شبهه خیالات ایشان بسیار درست و صحیح بود ولی وقتی که مجلسیان رأی دادند که بدو فرقه بین و بسار منقسم شوند ملاحظه ضعف و تقایص هموطنان خود را نرمودند اگر چه ترتیب مزبور برای پیشرفت اصلاحات امور دولتی بهترین نقشه عملی بود ولی بارها از ایشان شنیدم که از حسادت و رقابتهای صفت پارتیانی که در مجلس موجود بودند مفسد بسیار کرده و اصلاح منقصة را یکی از اسباب عمده پیشرفت ترقی امور میدانستند ولی هرگز این نکته متفلسف نشدند که آنچه درجه در احداث و تشکیل آن تناقص خودشان مسئول بوده اند \*

در زمانی که بقیال قبضه کردن زمام مهم نیابت سلطنت بایران سراجت می نمودند چون بفروین رسیدند این خیال که شکار قتل سیاسی خواهند شد بجدی قوت گرفت که وقتی که رای مختصر استراحتی در یکی از منازل و مهانخانههای بین راه از کالسکه پیاده میشدند طلبانجه مسلسل «موزری» یا خود داشته و شاید بکلی از طریقه استعمالش

هم واقف نبوده \*

همین که زمام اختیارات شغل خود را بدست آورده لوایح عهده‌دار مجلس فرستادند که اکثر آنها را خوب فکر کرده و بطرز عالمانه بیان نموده بودند در لوایح مزبوره سراجی اظهار داشتند که اگر چه حکمت این فقره معلومشان نشده که از چه رو اختیارات نایب السلطنه را ابتقدر محدود نموده که کویا فقط برای صرف نام میباشند ولی بمحدودیکه قانون مشروطه بر ایشان معین و محدود کرده بود راضی و قانع بود، و هیچگونه افتداری را که مخالف اختیارات مزبوره باشد بکار نمی بردند بطور اطمینان و یقین میتوانیم بگویم در تمام مدتی که ایشان نایب السلطنه بوده معاهدات خود را صادقانه و وفادارانه باختتام رسانیدند هیچ محل شک و شبهه نیست که اگر بجای ایشان شخص دیگری به آن درجه قدرت و با آن احترام قنودیکه ایشان داشتند می بود سهولت تمام بیشتر از یکریه خود را فرمانفرمای مستقل آن مملکت میساخت در ماههای اوائل قیام در طهران ایشان بهمان وا نمود کردند که مانند نشان در ایران مناسب نیست زیرا که مخالفان ایشان خیال ضدیت و مخالفت با ایشان را دارند و با آن حال ممکن نبود که کار را بتوانند انجام دهند و بهتر آن می بود که بایشان اجازه داده شود تا به «اروپا» رفته و حقیقت معاملات را بدولت بنهاند ولی بر واضح بود که آن حرکتشان از بسیار مضرری بحالت آسودت مملکت داشت اگر چه در هنگام حرکت من ایشان در طهران بودند ولی ما هشت ماه بعد عموماً اصرار می کردند که اجازه رفتن بایشان داده شود به بعضی اوقات بجدی اصرارشان سخت می شد که چند جلسه انوسناتک و مضحک بین ایشان و بعضی از اعضاء کابینه واقع شد - - - عده از وکلای را بهارت خود طلبیده و پس از ساعتها موعظه و نطق در عدم قابلیت و قصور آنها راجع بحل مسائل غامضه ایران اظهار داشتند که اواده رفتن به «اروپا» دارند \*

نایب السلطنه در او آخر سپتامبر (اوایل شوال ۱۳۲۹) قبل از آنکه سالارالدوله از یغرم خان و بختیار پاشا شکست بخورد چند نفر از وکلای را خصوصاً از حزب «دیموکرات» در عمارت نیلاقی خود در چالرز که واقع در خارج طهرانست طلبیده و پس از قدری مذاکرات و گفتگوهای «بازر» غا انکهای سیند خود را باز نموده و به آواز بلند اظهار داشتند که «چرا مرا نمی کشید من خود مرا خواهم کشت» حضار چنان پنداشتند که ایشان میخواهند از آن محل خارج شده و طیانجه بیآورند ایشان را گرفته و از آن خیال باز داشته تا آنکه آرام گرفتند در موقع دیگر در همان ماه چند نفر از وکلای را ساعت ده

شب در منزل خود در عمارت گلستان طهران طلبیدند پس از ورود و کلاه شروع بشکایت  
 معنی نمودند از «آرتیکل» (لایحه) که «روسی اسلوه» روزنامه نیم رسمی روس  
 پایشان اعتراض نموده و اشاعه داده بود و الا حضرت اظهار داشتند که آن دروغها را  
 «دیوکرات» ها باپشان نسبت داده اند سلیمان میرزا «لیدر» (نماینده) دیوکراتهای  
 مجلس که حاضر بود نوشته از جیب خود بیرون آورده و گفت رأی دیوکراتها درباره  
 نایب السلطنه در آن مندرج و آن «آرتیکل» مشکئنه را آنها ننموده اند نایب السلطنه  
 گفتند «این نوشته کافی نیست باید علناً اعتراف کنید که آنچه در (روسی اسلوه)  
 نوشته شده دروغست» سلیمان میرزا جواب داد «هرگز من این تکذیب را نخواهم کرد  
 این (تکذیب) کاری نیست دیوکراتها بکنند» نایب السلطنه از آن جواب از حال طبیعی  
 خارج شده و با دست سینه خود را کوبیده و می گفتند «شما هائی خواهید مرا بکشید  
 پس چراغی کشید من امشب از اینجا خواهم رفت» پس از دو ساعت اراحتگونه برایشان  
 کوبتها که همه نوکرها و سر بازارها از بیرون اطالی مشاهده بکردند نایب السلطنه ناشی خود  
 را طلبیده و مسوده استغاثی خود را نوشته و در آخر آن وزقه ایلمله را اضافه نمودند :-  
 «باین جهت استغنا میکنم که دیوکراتها برخلاف من بوده و از من منفرد دارند» پس از  
 آن بمحاضرین فرمودند که «تمام شراضات و امضاء نمایند که کسی متعرض من نشده تا  
 از این مملکت خارج شوم چون و کلاه و وزراء حاضر از آن کار انکار نمودند نایب  
 السلطنه برخاسته که از انجمن خارج شوند و کانسلیجی خود را به آواز یافتند طلبیدند  
 ولی مردم ایشان را نگاه داشته و مراجعتشان دادند ساعت سه بعد از نصف شب یعنی  
 پس از پنج ساعت از اینگونه حرکات و رفتار چون آمیز جمیع مزبور منتشرند \*

بعقیده من انتخاب ناصر الملک برای نیابت سلطنت مناسب نبود حالت ملت ایران  
 شخصی را برای نگاهداری سکان مملکت لازم داشت که تند و با قدرت و نفوذ و عادل  
 باشد اگر چه در کمال لیاقت و قابلیت ایشان حرفی نمی رود ولی چندان قوت قلب و در  
 بعضی موارد انصاف هم نداشته اند واسطه خود پسندی هیچ چیزی را بیاطرفی آورید  
 مگر آنچه تعلق بشخص خود با احتراماتشان داشت شکایت ایشان از مجلس و وزراء این  
 بود که آنها میخواستند و الا حضرت را تبریک سیاست کند و حال آنکه خیال خودشان  
 این بود که وجود نایب السلطنه مثل پادشاه انگلستان در نزد عموم ملت مقدس و منزّه  
 و محترم میانند کعبه خیال مزبور این شد که ایشان پیشنهاد می نمودند جز در مکر سلامتی

شخصی و آتاپش قلب خود بوده و ابتدا اعتنائی بانجام گرفتن کارهای مشکل و پیچیده که مسئولیت آن را بهمه خود گرفته نداشتند \*

هیئت کابینه و مأمورین طبقه اعلای قوه مجریه که در زمان توقف در ایران با آنها مصادف کردیم باستثنای قلیلی اثر خوبی بر من ظاهر نشودند بسیاری از ایشان مردمان تربیت یافته کامل و بسیار تیز پرک بودند ولی عموماً دارای عیوب خود پسندی و مغرضی و فقط در فکر جلب منافع شخصی بودند اگر باین میزان بسیاری از مأمورین دول دیگر را بسنجیم ایشان هم عاری از این نقایص نتوانند بود در طبقه حکام پول ذخیره نمودن و خدمات دولتی خود را بهانه قرار دادن بیش از اندازه معمول بوده و شیوع دانست اشخاص مرپوره بیشتر از طبقه اسراء انتخاب میشدند الحظ طبقه اسراء داخلی بودند نه خودشان بیولوگیری از بیدیاتی و انقلاب در امور دولتی اقتدار داشتند و نه راضی میشدند که دیگری بدان اسرافندام نماید باین تصور که میادا ضرر موهومی بخورد یا بلوغه انشای وارد یاید \*

اما و کلاء مجلس ایران از قسم دیگر بودند معدودی از ایشان از طبقه بزرگان و اعیان منقول بوده ولی آنها هم بکلیه و کلاء از جهت جنسیت و سنخیت نزدیک بودند بسیاری از ایشان قانون وطب خوانده و عدلگه قلیلی از منشیان و مستخدمین طبقه ادنی و عدله هم ملا بودند بهر حال و هر چه بودند علی الظاهر این اسراء احساس نموده بودند که انتخاب و تعیین ایشان بکالت برای عمومی شده نه فقط بصرف سفارش و توسط باین جهت خود را حافظ حقوق هموطنان خود میدانستند عقیده صحیح و صاف ایشان این بود که در کشمکش تشکیل قسمی از دولت مشروطه خود را مسئول خبر و شر و معاد و تفاوت شرف و افتخار ایرانیان میدانستند \*

اگر چه رایهای هفتگانه در باره مجلس و مجلسیان داده شد و نیز داده خواهد شد و دواین روس و انگلیس اظهار می نمایند که آن هیئت بسیار بی تجربه و نا قابل میباشد ولی شك نیست که بعضی اوقات هم دلیل صحیحی راجع بشکایت خود در دست داشته که بهشم حقارت نظر مجلس می نمودند نمایندگان بلژیکی ایشان در طهران مکرر این نگره را ملتفت شده و احساس می نمودند که چنانچه در زمان سلاطین سابق چیزی آهسته بگوش یکی از دماه متعلق و متقلب در باری گفته و بدان وسیله مقاصد خود را اجراء نموده بدان متابه آسان نخواهد بود که يك هیئت هشاد نفره نمایندگان منتخبه را تحمیل بانهید نمایند \*

عقیده شخصی من این است که هیچگاه در تواریخ عالم دیده نشده که ملتی مانند ایرانیان دقت و بسندمه طریقۀ سلطنت استبدادی را بر وجه حکومت مشروطه (حکومت انتخابی) تبدیل کرده و هم باطنی درجه معیار لیاقت سیاسی و علم اجراء قوانین و ابراز نموده باشند. هیچ شخص عاقلی امکان هیچ جنبشی را نمیتواند تصور نموده و چنین قاطبیتی را از آنها توقع داشته باشد. اعضاء مجلس اول برای بقای خود از هابروز که «پارلمان» تشکیل کرده مجبور بدفاع شدند کککش بی تناسب ایشان با محمد علی شاه و دول اجنبیه که بر رگترین معاون او بودند وقتی خائنه یافت که کنترل لیاخف با عزاقهاش مجلس را تبارد نمود و بجائی برای تصفیه و اصلاح امور معظم قانونی نیافته و هیچ امیدوار نبودند که تدابیر شان بموقع اجراء گذارده شده و نتیجه از اقداماتشان بروز نماید.

اعضاء مجلس ثانی که تمام آنها را شخصاً می شناختم بدون شبهه نسبت بی لیاقتی و ناقابلی در صورتی میتوان به آنها داد که معیار علم و تجربه آنان را با لیاقت و کفایت مبعوثان «پارلمان» انگلیس یا (کنگره) امریکا بسنجیم این امر خالی از غرابت نخواهد بود که حکومتی که بکلی جدید و بی تجربه بوده آنها در مملکتی که ملو از خرابی فرنها باشد باین درجه مقتدر شود که از اول کارهای خود را مانند دول دیگر که نبره تسلما بلکه فرنهای عدیده دانشمند انجام دهد رعایت نقدان علم فی را هم باید نمود زیرا که البته يك نکته مهم همین است المجلس حقیقه انعکاس خیالات و امیدوارهای جدید محققانۀ عدالتخواهانه ملت ایران بود قابلیت اعضاء آن از حیث تربیت و تحصیل از هر وجه وسطی بیشتر بود. بعضی از ایشان لیاقت مخصوص و جرأت قابل تجیدی ابراز نمودند تقریباً خیال و عقیده همه ایشان این بود که نجات مملکتشان و قوف بکوتشهای خودشان بوده و سعی می نمودند که دولت مشروطه را بر بنیاد محکم پایداری استوار نمایند و فقط بهمین وسائل میتوانند امنیت و عمران و ترفیه عمومی را عود داده و از فروش ممالک خود یا جانب و مخصوصاً از تعدیات پلیسی روس و انگلیس جلوگیری نمایند و کلاً مجلس ثانی باستثناء قلیبی صادقانه دریفته همین مقصد بوده و هر ادبیر و نمشه که برای محافظت وطنشان بایشان تقدم می شد با طیب خاطر تمام آن را استقبال میکردند اگر چه علم صحیحی درباره ترتیب امور مالیاتی نداشتند ولی اهمیت موقع را بخوبی احساس کرده و مائل بودند که اعتماد کلی خود را بستشاران بیگانه اظهار نموده و ضمناً هم از ایشان خائف بودند مگر در صورتیکه مستشاران برای دفاع (آتریك) و تقلبات پلیسی خود را حاضر

نموده و بجهت سعادت و بهبودی ایران کار کنند \*

هر پارلمانیرا که اهل مملکت حامی آن باشند نمیتوان ناقابل گفت بشرطیکه اهالی آن مملکت هم حدود خود را تشخیص داده و اعضا آن پارلمان هم برای حفظ شرافت و حقوق شاهنشاهی بیعافشان را قوی باشند \*

در کارخانه دولتی اگر زمانی بر خلاف آمال ارنجاهی جمعی از اسراء و صاحبمنصبان کابینه و بر خرد تقاباتی که در انجمن مأمورین دولتی از هر طبقه دیده میشد وجود داشت فقط همانجلس بود تا زمانی که نجاس باقی و دائر بود این مسئله بر همه کس مکشوف بود که هبشی حاضر می باشند که اهالی ایران را از ارتجاع و تقلبات فاحش و خیانات با حقوق شخصی و پستی که به آنها راه یافته تعاضلت آیند مجلس حاضر بود که از اعضاء اداره که متدین و قابل ترقی باشند حمایت کند زمانیکه هبش مزبور بواسطه اغراض دولتی چندین منتشر و متفرق گردید آخرین امپدواری دولت متدین یا مشروطه ایران منقود شد و ملت ایران از آن ضرب دستی که مجلس را خاموش کرد آید راضی نبودند زیرا میدانستند که حقوق و مایات مستعمل ایشان بخواهد شد \*

مجلس در انجام دادن امور و وظائف تکلیفیه خود کمال جستی و کفایت را بظهور رسانید و اگر هم در بعضی مواقع در امری اظهار طرفداری مینمود چندان بی راه نبود زیرا که مجالس قانونی سابقه هم از این گونه توافق و آلایشات مبرا و پاک نبودند \*

اگر چه مجلس ایران چنانچه باید و شاید پستی و سیاسی کامل نبود ولی در حقیقت بیشتر از سایر ملل بهترین امپدواریهای ایرانیان را که در هیچ زمانی در آن مملکت وجود نداشت بروز نمود مجلس با آن مواع و اندکالاتی که ترقی و پیشرفت حکومت مشروطه را احاطه نموده بود تا درجه امکان مقاومت و دفاع نمود همین دلائل درجه بی تجربگی و ناقابل ایشان را بطور کافی واضح می نماید دولتمن روس و انگلیس بی در پی بوزیر مختار های طهران خود تعلیقات و دستورالعملها میدادند که فلان امتیاز را مطالبه و درخواست کرده و از دادن فلان انحصار مانع شوید غافل از آنکه زه انبیکه اختیار مال و جان و فواید دوازده میلیون نفوس بکلی در قبضه اقتدار یک نفر مسند بود که بسنوات هر چه قانتر مشارالیه را تهدید نموده و با بطیب رشوت او را می بولادند گذشت و آن درجه سهوات قدیمه نسبت به معاملات با و کلاه پارلمانیکه از طرف عموم ملت منتخب شده و نظارت یابهای آه و معادن و سایر امتیازات را در قبضه تصرف خود دارند در این زه ان در کار



و میسر نخواهد بود. بهانه آخری مجلس برای پیشرفت مقاصد و اغراض مخفی آن دو دولت و توجیه باشد. مانع حقیقی واقعه شده بود و همچنینجهت بود که دولتمن متوالیا اظهار شکایت می نمودند که « منافعشان » در ایران در معرض خطر است \*

بمان کردن خصوصیات اهل ایران حناچه شاید قدری مشکل است. عده گیری از نفوس اهل آن مملکت که مشتمل بر زراع و دهانتین و ایلات اند. بیشترشان از حلیه علم عاری میباشند ولی در مقابل هزارها از اهالی ایران در محالک متعده تربیت یافته و تحصیل نموده و پس از اتمام تحصیلات در مملکت خود نیز سیاحت کامل کرده بودند. ایرانیان عموماً مهربان و مهمان دوست بوده و ملل اجنبیه را بسیار احترام میکنند. اکثر طبقات معمولین زبان فرانسه را تحصیل کرده و برخی از ایشان با انگلیسی نیز تکلم می نمودند. عموماً یا اقلاً بعضی از آنها که حامی و طرفدار ملت بودند لیالت و قابلیت خود را در اتخاذ تمدن و خیالات مغرب زمینیان ثابت و مدلل داشتند و با وجود موانع و امسکالات خارج از حد و حصر توانستند سلطنت استبدادی را بحکومت دیموکراسی تبدیل نمایند. موانع مربوطه بدرجه تصفیه و اصلاح شده بود که هر شخص با لیاقتی از هر طبقه که باشد میتواند اعلی ترین خدمات دولتی را اشغال نماید. ایرانیان در ظرف مدت این پنجاه سال از حیث مایه شوق هدیه النظیری برای تحصیل ابراز کردند در دوره مشروطه مدتها مدرسه تشکیل کرده شد. گویا مطایع و جرائد بسیار آزاد در ظرف یکسب از هر گوشه و کنار بظهور آمده و مدیران جری و مضمون نویسان بی خوف و بی باک ظاهر شدند که مظالم و بی انصافی و سرزشهای خارجی و داخلی را از مملکت خود دور نموده و بر اندازند. ایرانیان آرزو و تمنای بسیار داشتند که کلیه قوانین سیاسی و اخلاقی و معاملاتی مال ترقی یافته و تربیت شده عصر حاضر را قبول کنند. شماره از همین آتش ناشکیبائی و بی تحملی که در ایرانیان مشتعل شد بهندوستان سرایت کرده و جنبش و اقدامات « ژون فرک » ( عثمانیان ) را بر روی کار آورده و در همین اواخر بلای جمهوری در چین جلوه نمود. سترق زمینیان ویدار شده اند ولی امسوس که ایرانیان بدینجهتانه دیر بیدار شدند بجاهدات و مساعی آنها که بطرف نور آزادی و حریت و سعادت اندی دست میرفت دولتی مانع شد که قدرت خود آن دولت در راه ظلمتست \*



میدان دیپلوماسی ۱۹۱۱ اروپا مسلک انگلیس و روس معاهده پوتسدام اتحاد  
سری روس و آلمان لیامت و قابلیت ایران از حیث نوای جنگی اعتراضات سر ادوارد  
گجری بجزائه دار معاهده انگلیس و روس \*

از پادشاه تخریب و انهدام مجلس فدائیر کهنه شمر می ( که برای نجات و استقلال  
از تعاقب سر خود را در سن و ساهه پنهان میکنند ) در ایران شکل تازه نو ظهوری پیدا  
کرد علی الظاهر روس و انگلیس خواستند سلطنت صوری در ایران تشکیل داده تا از  
اتفاقاتی که در آنحکومت بدبخت واقع میشود در انظار اهل عالم ببری الذمه و بی تقصیر باشند  
چنانچه بیست و یکم مارس ۱۹۱۲ ( اول ربیع الثانی ۱۳۳۰ ) لایحه ذیل از طهران  
بامضاء نوروز در روز نامه « نیربست » ( مشرق اقصی ) درج شده بود :- دولتین  
بواسطه باقی گذاردن فقط اسم سلطنتی در ایران میخواهند خودشان را از هر گونه مسئولیتی  
رها نموده و بری الذمه گردانند ولی وقتیکه تشکیل هموسالطنتی نائل و کامیاب شدند  
آن سلطنت را منلوج می نمایند \*

عقیده شخصی من این است که دولتین ( یعنی انگلیس و روس ) مطامع من می باشند  
که از مسئولیت هر قسم وقایع و استلابات ایران نجات یافته بحت و تعرضی بر ایشان  
نخواهد بود ولی اهل عالم زمانه دراز بست که از طرح این مسلک بخوبی آگاه و مطلع  
تند اند به آن وقایعیکه راجع بغارت گری بین المللی است آنرا بعینه و مکرهای خالص  
محدود هر قسم لباس رسمی بپوشانند در انظار متحدین مخفی نمائند و مشتبه نخواهد کردید  
حقیقت امر اینست که دولتین انگلیس و روس در این تروتن وسطی بکست فرد  
دیپلوماسی با هم باشند ولی هنوز سرگذشت « لایونس » ( Le Prince ) انصاف

( ۱ ) بیان آراییکه در این باب ذکر شده متعلق بحالات سیاسی سی ام آوریل ۱۹۱۲

( دوازدهم جمادی الاولی ۱۳۲۰ ) می مانند \*

میکلوپلی املالیائی ( M. Mecal Vellie ) مترجم ) کتابی درسی ایشان است (۱) لکن ایشان نمیتوانند کسی را فریب دهند حتی آن ایرانیانی را که آنگاه دست خود قرار داده و پهنهٔ یهودای استرپوطی بوده و آن سلطنت را تشکیل کرده و روبل و احکام روسی را قبول می کنند آنها را هم نمیتوانند گول بزنند (۲) \*

این مسئله محل تردید و شبهه است که عموماً انگلیسان گول خورده باشند ولی چیزیکه معین و واضح میباشد این است که از سکوت جبرت انگلزر سر ادوارد کری قدری خسته شده اند هر وقت یکی از وکلاء پارلمان خالی الذهن و بدون مقدمه توضیحی راجع بمرکات روس یا مسلك انگلیس در ایران میخواست همیشه جواب ایشان منحصر باین چند کلمه بود « موقع دقیقی و خطرناک » یا « اقدامات جاری است » خواه معترض و سائل از حزب « لیبرال » ( آزادی خواه ) باشد یا از فرقه « بونی پندست » ( اتحادیون ) سر ادوارد کری در این پنج سال اخیر این لباس را بقدری استعمال نموده که تار و پودش نمایان گردیده است (۳) معلوم نیست ملت انگلیس تا کی اجازه داده و راضی میشوند که امروز خارجه آنها باین درجه درهم و برهم باشد و اگر مسائل مشکله داخلی یا تقدیر و توقعات کابینه « لیبرال » حالبه پیچیده نشده بود شاید جواب آن سئوالات تا بحال بسهولت تمام داده میشد اگر درباره استقلال و اقتدار وزارت خارجه سر ادوارد کری یا فتوحات دیپلوما تیش که از دو سال قبل در ظل حمایت مسلك خارجی حکومت « لیبرال » نائل شده رأی عمومی گرفته شود نتیجه بسیار مطلوب و پسندیده بدست

(۱) ذکر سرگذشت لا یونس در این جا کما یاه از این است که هنوز پسلسکهای

غریب دهند یهودیه و مندرس متوصل می باشند — مترجم \*

(۲) یهودای استرپوطی یکی از حواریین حضرت عیسی بود که خود را خالصه از یروان و ایمان آوردن کان به آن حضرت جلوه داده و از همه بیشتر اظهار خلوص و عقیده نسبت بعیسی می نمود ولی چون ورق کار برکشته و نی اسرائیلیان در صدد ابداء و قتل آنحضرت برآمدند اول کسیکه تیرا و اعراض نمود همان یهودا بود — مترجم \*

(۳) یعنی تاحدی این مسلك خود را دنبال نموده و استمرار داد که فساد آن

بر همه کس واضح و روشن گردید — مترجم \*

خواهد آمد (۱) چه قدر مناسب خواهد بود که نتیجه آن رأی عمومی از خود حزب  
« لیبرال » سؤال شود \*  
۱۰

در تابستان گذشته روس سر نوشت و مقدرات آتیه ایران را یکی خاتمه داد بحران  
اروپائی را که از دیر زمانی اهل عالم منتظرش بودند گویا آن موقع رسیده و این خرس اقتدار  
کاملی در آسیا حاصل نمود آیا کدام امر بود که آن کشمکش « اروپا » را بدرجه  
سرعت داده که یکی « آسیا » از خاطر شان محو گردید \*  
۱۱

باید این سؤال را از « آدرمال » ( امیر البحر ) می نمود که فرماتده دستجات چهارات  
المالی در دریای شمال اطراف مواجیل « اسکاتلند » بود در موعده یکروز صبح در ماه  
سپتامبر کشتی میراند که جهاز « کروزر » ( کشتی فراول ) انگلیسی « دریدنات » های  
المالیرا غنمه کشف نمود در هنگامی که جهازات مزبوره موافق فرماتده و فنون نظامی صف  
ارائی نموده و « تریل » های ( کشتی های کوچک جهاز شکن ) پیش فراول پیشاپیش  
حرکت و سیر نموده و مستعد مقابله با خصم بودند \*  
۱۲

یا از آندو فقر صاحب منصب طبقه اعلای بحری انگلیس باید سؤال شود که بواسطه  
گم نمودن چند ساعت رد و خط سیر جهازات المالیرا از خدمت خود متفصل شده و یکی  
دستشان از کار کوتاه گردید \*  
۱۳

از امر اطور روس باید سؤال شود که آیا در لا یونسدام « وعده نکرد که معاهده  
بین خود و انگلیس را توجیه و تفسیر نموده و در صورت وقوع جنگی بین المان و انگلیس  
ماتزم خواهد بود که هیچگونه اقدامی برخلاف المان ننماید \*  
۱۴

سئوالات مزبوره اگر مطابق صدق و عدالت جواب داده شود علت غائی حمله  
ناگهانی که کابینه روس در پائیز گذشته بایران نمود واضح و معلوم خواهد شد ان اقوال  
و معاذیر بیگانه که ایران نسبت بصاحب منصبان فونسلخانه روس توهین نموده یا استخدام  
یکتفر رعیت انگلیس را که اهم از طرف خزانة دار ایران مأمور وصول مالیه تیریر  
شده بود مستمسک و بهانه بیجهت و بش کتیدن مسلك ظالمانه و وحشیانه روس در ایران  
۱۵

(۱) مراد از رأی عمومی این است که هر وقت مسئله متنازع فیه در پارلمان با کثرت  
تصویه و تنقیح نشود یعنی هر دو فریق متنازعیان از حیث عدد مساوی با هم باشند بوسیله  
اوراق از طرفداران و پیروان آن دو حزب رای گرفته و قانون نایج همان اکثریت رای  
عمومی خواهد بود سه مترجم \*  
۱۶

کره بعد ظهور و آشکاراست بیان واقع و حقیقت اقدامات حاکمانه و هیولانه که ما در این  
دوس بر خلاف استقلال سلطنت شاهنشاهی و دولت مشروطه ایران از زمان حاکم محمد  
علی در سال ۱۹۰۹ مرتکب شده اند در چندین مجلد کتاب کتابه و حقه نخواهد گنجید \*  
فقدان تدبیر صاحب منصب کدام دولتی از کدام زمان باو حق و اجازه داده است  
که هجده هزار نفر قشون در مملکت دوستی وارد نموده و رعایای صلح جوی آن مملکت را  
زیر و قتل عام کرده و اشخاص بی طرف غیر جنجی را چه بدار کشیده و گلوله ریز نموده و چه  
بتوب بسته و بظلم و جور اصول و اساسه منظم سلطنت شاهنشاهی ملت دوست خود را  
منهدم و نابود گرداند <sup>۱</sup> مجلس صلح عمومی «لاهی» که خود اعلیحضرت امیر اطور تمام  
روسیه علی الظاهر آن را ایجاد و تکمیل نموده و تقویت داد آیا تصدیق خواهد نمود که  
آنسلك و وضع رفتار مطابق قوانین بین المللی یا موافق حقیقت عدل و انصاف است ؟  
آیا دیگر هیچ دولتی که فی الجمله شرف خود را دوست داشته باشد با دولتی مثل دولت  
روس طرف معاهده و معامله واقع شده و یا بشرکت در مجلس دعوت همچو دولتی راغبی  
خواهد شد ؟ \*

زحمات و اشکالاتی که در این تفصیلات اخیر بمسائمت انگلیس معاند شده بواسطه  
اینست که مدبر سیاسی ذانی برای اصلاحات در آن مملکت موجود بود سر ادوارد گری  
شخصاً از خانواده خوب و مشاوع زریب یافته و عالم میباشد مشار الیه وزیر خارجه لایق  
و نامدیبست لکن برای مملکت سوئیس با بلجیک نباید هم برای مملکت (دوری تالیای  
آندولی هوب) (Anthony hopes ruritania) مناسب باشد ولی وزارت  
مملکت انگلستان که منافع و اغراضش از او با تجاوز نموده اسر دیگری ما فوق آنست و  
از حدود قوه تخصی اراتی یعنی کسبکه زریب یافته ایالات انگلستان باشد خارج است  
انهم در صورتیکه بر گردین مصافرت بحریش تا منتهی الیه ابائی (تنگ دریائی) انگلیس  
بوده و بهترین افعال و اقداماتش در آن مدت در از خدمات عمومی صید ماهی انهم از  
خشکی و کناره می باشد در صورتیکه نصف بیشتر سلطنت و مستملکات انگلیس در  
«اسیا» واقع است هیچیک از سرمایهان عالی ایشان هرگز تهمت و افترای خیالات و تصورات  
مشرقی را بمشار الیه نژده است \*

از زمانیکه اتحاد انگلیس و فرانسه سعی و کوشش اردنزدان (Lord Lansdowne)  
در سنه ۱۹۰۵ تکمیل پالت در مملکت خارجه دولت انگلیس تغییرات بسیار راه یافت

حقیقت عقیده آن مدیر معروف آن بود که انگلستان باید از آن حالت انفراد مشغول خود خارج شده و در جرگه سیاست ساز دولت اروپا داخل شود و پروگرام حیرت انگیز المان هم در تعمیر جهازات و تکمیل فوای بھری شاید بھمین نقطه نظر داشته باشد \*

از زمانی که حکومت لیبرالی در انگلستان اکثریت پیدا نمود دولت انگلیس دوچار مواقع دیپلماتی پیچیده خارجی در «اروپا» و «آسیا» گردید در موقعیکه جنگ روس و ژاپون دولت روس را بدون تھبه ضعیف نموده و برای ساختن جهازات جنگی و ترقی دادن صنایع و تعمیر راههای آهن خود پول لازم داشت و فرانسه هم در پیشقدمی (باستقراض) قدری سستی و تردید داشت مدیر روشن ضمیری پیدا شده و رأی داد که اگر دولت انگلیس از روس تقویت نموده و سرمایه های لندن را در پطر سبرگ بریزد مسلک خوبی خواهد بود چرا باین جھت که فوای دولت المان رو به تزايد گذارده و اتحاد انگلیس و فرانسه هم مانع کافی برای جلوگیری از وضع و مخالفت المان تصور نمیشد فوای روس که بواسطه جنگ ضعیف شده و اتحاد با دولت برای انگلستان در شمال المان همان نتیجه را می بختید که از اتحاد با فرانسه در جنوب تصور بود این بود نقشه کار و طرح خیالات مدیر مشارالیه و بعضیها گفته اند که اتحاد مزبور برای محدود و محصور ساختن آلمان بوده است ولی نباید خود المان هم این نکته را ملثفت شده و احساس نموده باشد \*

موقع بهانه برای اجراء آن نقشه رسیده و در آسیا هم معاملات انگلیس و روس تصلیه لازم داشت نتیجه همان معاهده انگلیس و روس شد که در سپتامبر ۱۹۰۷ انعقاد یافت سرادوار تھری امیدوار بود که بوسیله انعقاد معاهده مزبوره ناموری و افتخار جانشینی نژدان را برای خود برقرار بدارد چنانچه رایج و مصول است از بودن اغراض مخفیة در مواد آن معاهده انکار نمود نباید هم حقیقت غرضی در بین نبوده است \*

آیا معاهده مزبوره مسائل مختلف فہمی را که در تقسیم آسیا بین انگلیس و روس محل بحث بود تصفیہ نمود ؟ بلی ؛ ولی نه از برای مدت مدیدی \*

زمانیکه آن اتفاق مثلث (اتحاد ثلاثہ) در شرف تشکیل بود آلمانها بکلی خواب نبوده و احساس نمودند که آن همچنان وحوش و حروس حیرت انگیز سیاسی انگلیسها خاصه در «اروپا» ارتباط و مناسبت نامی با ایشان داشته یعنی مرکز خاطر آنها المان بوده است آلمانها میل مفرط و دلچسپی نامی بقسمت آسیای عثمانی دارند در سنوات

ماضیه يك نفر « دیپلمات » آلمانی بسیار با هوش و زیرکی در امپراطوریه بود که « پسرش بارون مارشال فان بیبرستین ( Baron Marschall Von Bieberstein ) بود مشارالیه کوشش بسیاری برای تحصیل امتیاز راه آهن بغداد بجهت آلمان نمود ( ۱ ) اهل عالم عتقرب ملتفت خواهند شد که قصد او تعلق نامی داشته است با تغییراتی که حتماً در « دارالاطرف » واقع خواهد شد. ادمیرال شستر ( Admiral Chester ) و شرکتانش ساهی بودند که امتیاز راه آهنی در ممالک عثمانی برای امریکا تحصیل کنند و تا باید هم با فان بیبرستین مصادف شده باشند. نفوذ انگلیس تا چند سال قبل در امپراطوریه بر سایرین غلبه داشت ولی اکنون چندان قابل اعتنا نمیباشد و نفوذ آلمان تمام ممالک عثمانی را احاطه نموده است عقیده خود عثمانیها اینست که آلمانها نه در حالت انحطاط و تنزل بوده و نه از دولتی و مهمه دارند \*

بهر حال آلمان در مسرتی وسطی شروع با اقدامات و عملیات نموده بود که در یانویه ۱۹۱۰ امپراطور روس در « پوتسدام » با امپراطور آلمان ملاقات کرده و معاهده « پوتسدام » نتیجه آن ملاقات گردید. معاهده مزبور به کلی معاهده بی ضرری بود چنانچه از نوتیفیقای که بهتأویین و عبارات مختلفه رسماً برای اتمامه بجزاوند داده شده بود همه کس نمیتوانند بفرقی نتیجه آن معاهده را ملتفت شده و استنباط نمایند. آیاتکات و افراض سری در ضمن معاهده مزبور یا بعضی مواد آن مستور است ؟ خیر! ما میدانیم غرض مخفی در کار نیست زیرا که وزارت های خارجه روس و آلمان بصوموم مردم همین قسم وانمود کرده و سرادوار گری نیز بهین مضمون با آلمان انگلیس اطلاع داده است \*

اگرچه از ابتداء استتار کلی در مواد آن عهد نامه بکار برده شده ولی چنین احتمال می رود که حقیقت آن قبل از وقت بر همه کس واضح و مکشوف شده باشد \*

چهاردهم ژانویه ۱۹۱۱ ( دوازدهم محرم ۱۳۲۹ ) بارون مارشال فان بیبرستین بدولت عثمانی اظهار داشت که معاهده و معاملات روس و آلمان فقط راجع بکشیدن راه آهن ایران و اتصال آن براه آهنهای خود می باشد \*

موادیکه روی هم رفته و منطبق الصوموم از معاهده مذکوره استنباط میشود بر حسب ذیل است :-

( ۱ ) در بعضی از جزائرشهر رسمی شهرت نموده بود که آن دیپلمات معروف و معروف در زمانها وزیر مختار ( سفیر کبیر ) آلمان در لندن بوده است \*

اولاً هر يك از دولتین آلمان و روس منهدم میشوند که از انعقاد با هر دولتی که اراده پیشقدمی و حمله نسبت بد دیگری داشته باشد اجتناب نمایند (۱) \*

ثانیاً آلمان اعتراف نموده و تسلیم دارد که ایالات شمالی ایران داخل در منطقه نفوذ روس است و تصدیق میکند که دولت روس حق دارد جمیع امتیازات راه آهنی که دولت ایران در آن حدود بمشاور آلیه و عمده داده مطالبه نماید \*

ثالثاً سرمایه آلمانی در شمال ایران بمنزله حمایت از مسلك روس بمصرف نخواهد رسید برای کشیدن خط راه آهن از طهران تا خاتقین سرحد ایران و عثمانی سهمی از سرمایه آلمان و قسمتی از سرمایه روس بکار برده خواهد شد ولی در قسمت نظارت صاحب امتیاز روسی \*

رابعاً روس اعتراف و تسلیم می نماید موافقت تجار آلمان را در شمال ایران و ضمانت میکند باقی برقرار داشتن مسلك « بلا مانع بیطرفانه » در منطقه نفوذ خود \*

خامساً روس تسلیم دارد اختیاری و فوائد آلمان را که در امتیاز راه آهن بغداد بمشاور آلیه داده شده است و ملتزم میشود معاونت سیاسی خود را بدولت آلمان در این قبول کارها \* سادساً آلمان به تمامی يك خط راه آهن از بغداد تا خاتقین سرحد ایران اهدا خواهد نمود که خط بغداد را بخط خاتقین و طهران روس و آلمان و بخطوط دیگر در شمال ایران که اتباع روس کشیده باشند اتصال خواهد داد \*

والتظام بعضی مسائل دیگر راجع بشرفه حمل و نقل مان التجاره از خط راه آهن بغداد و خطوطی که در شمال ایران بین دولتین متعاهدین امضاء شده و خیال نموده اند آن معاهده را تکمیل می نمایند و نیز کشیدن خطوط مزبوره بانضمام تعیین نرخ کرایه و شرفه حمل و نقل صادرات آلمانی در شمال ایران من و آسان خواهد گشت و از آن طرف هم راهی برای حمل و نقل امعه روسی به آسیای صغیره و « مدیترانه » باز خواهد شد و ضمانت برقرار داشتن (استانسمینیک) حالت حاضره مشرق قریب برای ولع بدگانی عثمانیها از نتیجه آخری و حقیقت معاهده مزبوره در آن معاهده نیز مندرج است \*

غیر از موارد دیگری هیچکس باور نخواهد نمود که نکاتی که در آن عهدنامه مستتر است فقط مختص بدین شروط باشد \*

---

(۱) ابهامی که از کلمه پیشقدمی مستفاد میشود موافقت مسلك و صلحه پسندیده دیپلوماسی است \*



بهر حال بسیاری از مواد آرمه نامه دلالت واضح و آشکار دارد بر اینکه روس نمیتواند جزو اعضاء هیئت اتفاق مثلث بشود اگر چه هم بعضی اوقات شده باشد همان اتفاق منجی که در انگلستان سبب اعلی برانت نامه انگلیسها از ماه مه ۱۹۰۷ روس و انگلیس شده بود \*

همه میدانند مملکت روسیه خطه بسیار وسیعی است که يك بندر نگاه ندارد که در زمستان باز باشد ( یعنی تمام طرق بندارش در زمستان بواسطه یخ مسدود میشود ) از یکطرف تمام بندر « بالتیک » وی منجمد است و از طرف دیگر « ولادیوستک » که در ساحل دریای ژاپون واقعست بوجه مذکوره میحاصل و مسلوب المنعمه می باشد در وسط مملکت هم بندریکه در سواحل دریای سیاه واقعست بوجه معاهده راجعه پنج عبور جہازات جنگی از « داردافلز » محدود و بسته است در موقعیکه روسها « پرت آرتور » را گرفته بودند از این حیث فی الجمله سهولتی در امورشان واقع شده بود ولی بعد از آنکه ژاپونیا بندر مزبور را تصرف نمودند روسها برای جبران اینکه نمیتوانند کشتیهای خود شان را در دریاهای گرم سیر داده و برای مدت مدیدی در سال کشتیهایشان بواسطه یخ محدود و محصور است دوباره مجبور شدند که بر وسیله باشند يك یا چند بندر در جاهای دیگر برای خود دست و پا کنند تا در تمام سال سواند جہازات جنگی خود را در هر نقطه که میخواهند حرکت داده یا لنگر بیندازند \*

در خلیج فارس بندر خوب و نامند میباشد و بعضی از آنها هم در منطقه نفوذ بیطرف واقع شده است و خود خلیج هم هیچگاه یخ نخواهد بست \*

چندین سال است که دولت المان بحرمانه روسها و آذربایک و انغوا نموده که در شرقی وسطی پیشقدمی نمایند چنانچه اطریشرا به پیشقدمی در مشرق ادنی و فرانسه را هم در ساحل دریای « مدیترانه » به « افریقا » جری ساخت غرض المان همیشه این بوده که آنها را در نقاط مختلفه مشغول و سرگرم نماید یعنی هم افواج و قوای نظامی و هم مالیه شان را در حالتیکه خودش بلا مانع و بلا رقیب ترقی نموده و بر رکنترین دول « اروپا » گردید \*

عقیده بعضیها این است که هنوز نقشه و مسلک سیاسی بیژمارک یا کمال قوت جاری و در کار است و در هر پیشقدمی که روسها در « آسیا » نموده المان حمایت سری به آنها کرده و خواهد کرد \*

اگر فرض شود که در « کانفرانس » (Confereca.) (مجلس مشورت) « پوتسدام »  
اتفاق دوستانه مختصری مطابق مواد ذیل واقع شده باشد نتیجه چه خواهد بود ؟ :-  
اولاً روس با وجود اثر میلان عام معنوی معاهده ۱۹۰۷ روس و انگلیس تعهد  
کرده باشد که در صورتیکه آلمان دوچار جنگ انگلیس شود هیچگاه اقدامی که باعث  
پیشانی آلمان شود ننماید \*

ثانیاً آلمان هم نفوذ و غلبه روس را در ایران ( نه تنها در شمال ایران ) تسلیم نموده  
مستحق و حقیقتاً و بطرفی دیگر دولت روس را در اقداماتی که محیة پیشرفت و ازدهاد اقتصاد  
خود می نماید حمایت کند \*

ثالثاً دولتین متعاهدین تعهد و اتفاق نموده باشند در امتداد خط راه آهن بغداد تا  
حاضریه سرحد ایران و عثمانی و اتصال آن خط را بخط دیگری که آنان از خاضریه تا همدان  
( در ایران ) خواهد کشید و از آنجا بطرف جنوب تا خرم آباد رفته و از وادی کارون  
گذشته تا اهواز و بحریره که معاً خلیج فارس باشد برسد \*

رابعاً روس تعهد کرده باشد که امتیازات لازمه فوق را از ایران بکیرد (۱) \*  
در صورتیکه مواد مزبور فوق جبر و فصول قرار داد و معاهده « سری » « پوتسدام »  
باشد با برای دولت انگلیس مترون « مصره خواهد بود در ملاقات بسیار مطبوعی که  
بر حسب خواهش سراد وارد گری در فوریه گذشته در لندن با مشارالیه نمود همین  
سئوال را از او کرده ولی بدیهی است که نمیتوانم جواب ارا در اینجا ذکر نام بجاظر میروند  
مسافرت رد هالدین ( Lord Holdene ) به « برلن » چند روز پس از تلافی  
« پوتسدام » شاید راجع به همین مذاکرات باشد \*

اکنون مناسب است نتایج مشعشی که از معاهده روس و انگلیس ناشی شده  
بسنجیم امضاء معاهده مربوطه بلا فاصله پس از اتحاد انگلیس و فرانسه آلمان را پیدار  
و هوشیار گردانده و سبب معاهده « پوتسدام » شد آن قسمت از معاهده « پوتسدام »  
که راجع به انگلیس است جمیع فوائد معنوی را که سراد وارد گری از معاهده « با روس  
در نظر داشت معدوم گردانید و فوائد غیر متساویه و بی تناسب تقسیم ایران را بمشطقه  
های نفوذ برای روس باقی گذارد روس فی الحقیقه قسمت و حصه شیری « یعنی حصه

(۱) پس از حراچی و انفصال مجلس در بیست و چهارم دسامبر ۱۹۱۱ کمی حق فرسش

و سئوال از اقتصادار و نفوذ روس ندانسته و این مسئله محل شک و تردید نخواهد بود \*